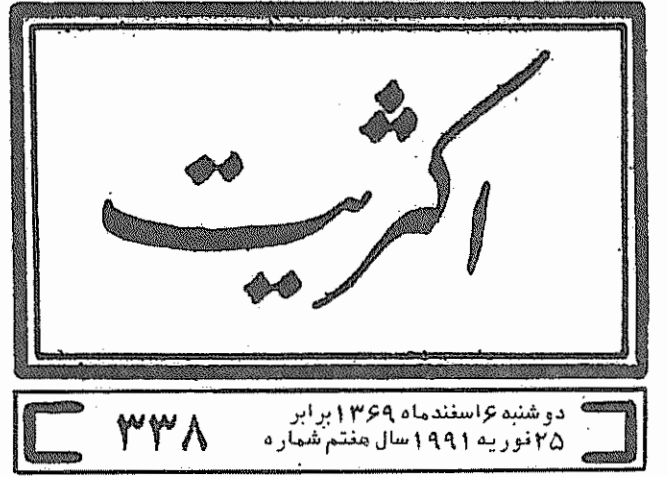


آمریکا جنگ زمینی را آغاز کرد

* دولت بوش با نادیده گرفتن تمام تلاش های صلح برای پیشبرد اهداف سلطه طلبانه خود دستور آغاز جنگ همه جانبه و قتل عام هزاران انسان را صادر کرد



به خاطر ۱۷ روز؟

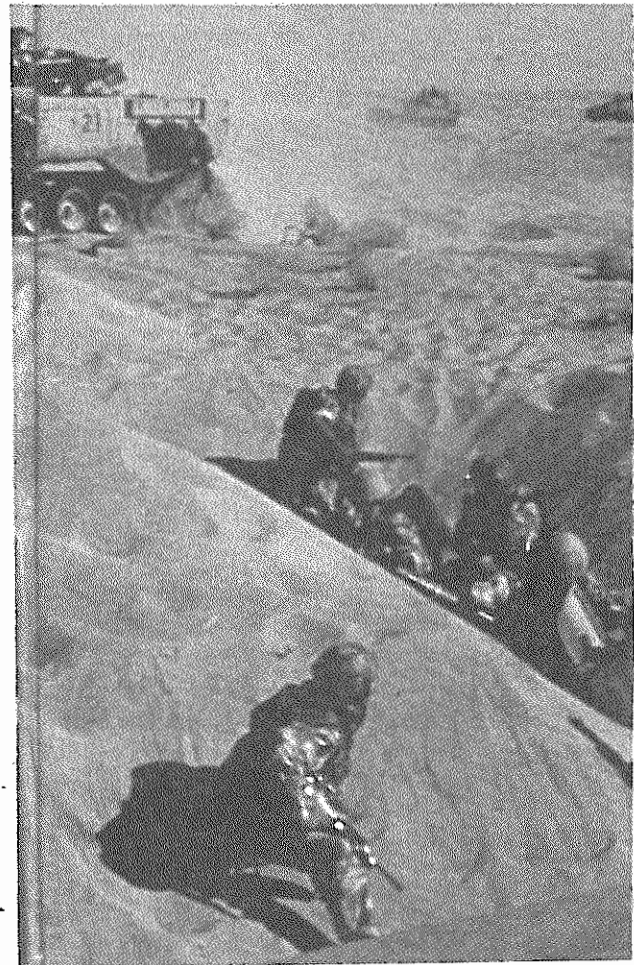
مرحله ای فاجعه بارتر در جنگ خلیج فارس آغاز شده است. جنگ زمینی، سانسور خبری ۱۰۰ درصد جنگ که از سوی ستاد فرماندهی آمریکا برقرار شده است و هدف از آن، پوشیده نگاه داشتن جنایات و فجایع عظیمی است که در جبهه های جنگ می گذرد اما اخبار جسته و گریخته گوشه هایی از فجایع را در برابر چشم جهانیان قرار داده است. اکنون که جنگ به این مرحله از خود رسیده است، جهان با این وحشیانه ای دست زده شود؟ آری ظاهر موضوع فقط ۱۷ روز است عراق پذیرفته بود که مطابق پیشنهاد اتحاد شوروی طرف ۲۱ روز نیروهایش را بدون هیچ گونه تید و شرطی از کویت عقب بکشد. آمریکا یک اولتیماتوم ۴ روز داد و اعلام کرد عقب نشینی باید در ظرف ۴ روز صورت گیرد، اختلاف فقط ۱۷ روز است و حتی کمتر از آن. بوش تقاضای گارباچف برای به تعویق انداختن چند روز حمله زمینی را نیز نپذیرفت. بهایی که برای این اختلاف چند روز به پرداخت میشود؟ ... اما این تنها ظاهر و سطح مسئله است. آمریکا ۱۷ روز را تحمل نکرد، همانگونه که به نتیجه رسیدن تحریمهای اقتصادی - نظامی را تحمل نکرد و جنگ را آغاز کرد. آمریکا هدفی دیگری دارد. پایان بحران از طریقی به جز شکست قطعی عراق و تاثیر گذاری کشورهای دیگر در روند حل این بحران مورد طبع آمریکان نیست. آمریکا جنگ را می خواهد تا آقایی و یک تازی بدون شریک خود بر جهان و منطقه ما را به اثبات رساند، تا کنترل بی چون و چرای خود بر نفت خاورمیانه را تحکیم کند. رژیم عراق را تنبیه میکند تا هرگونه گردنکشی در برابر آمریکا را تنبیه سازد. هدف تحمیل نظم آمریکایی بر جهان است.

تلفات نیروهای خود را ۱۱ نفر اعلام کردند. مطابق اخبار سانسور شده، مقامات نظامی اطلاعات اعلام شده در نخستین ساعات جنگ در مورد پیروزیهای نیروهای چند ملیتی را "تصحیح" کردند. فرمانده یک تیپ زرهی انگلیسی اعلام کرد که مقاومت عراقی ها چشمگیر بوده است. اعلامیه های ستاد فرماندهی عراق، تصویر دیگری از نخستین روز جنگ ارائه داد. به گفته عراقی ها، ارتش عراق

عراق خواست که به دفاع از وطن برخیزند و اعلام داشت که تا آخر خواهد جنگید و حتی یک وجب از خاک عراق را نخواهد داد. بعد از ظهر یکشنبه ژنرال شوارتسکف فرمانده نیروهای آمریکایی در یک کنفرانس مطبوعاتی اعلام کرد که نیروهای متحد در نخستین روز تهاجم نظامی به همه اهداف تعیین شده خود دست یافته اند. وی مدعی شد که تلفات نیروهای متحد بسیار کم بوده است و ۵۵۰۰ نفر از نیروهای عراقی نیز به اسارت گرفته شده اند. ساعاتی بعد مقامات آمریکایی

دولت آمریکا با سانسور کامل و بی سابقه بر رسانه های خبری در صدد است از بروز اخبار مربوط به این حمله و جنایاتی که اکنون در کویت و عراق اتفاق می افتد، جلوگیری کند و افکار عمومی را آنگونه که خود می خواهد در جریان وقایع جنگ بگذارد. به گزارش خبرگزاریها سانسور کامل خبری کامل و ۱۰۰ درصد است و خبرنگاران را به جبهه های جنگ راه نمیدهند. صبح روز یکشنبه صدام حسین در سخنرانی خود اعلام کرد که "مادر جنگ" آغاز شده است. وی از تمام مردم و جوانان

ساعاتی پس از پایان اولتیماتوم خود سرانه جرج بوش، نیروهای چند ملیتی به سرکردگی آمریکا تهاجم زمینی علیه عراق را آغاز کردند. دولت آمریکا حتی پیش از پایان اولتیماتوم، به ژنرال شوارتسکف فرمانده نیروهای آمریکایی در منطقه اختیار داده بود که هر زمان مناسب دید جنگ زمینی را آغاز نماید. در روز شنبه ۲۳ فوریه دیپلماتها و مقامات آمریکایی بارها تاکید کرده بودند که تهاجم زمینی هر لحظه امکان دارد آغاز شود.



اعلامیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) گسترش جنگ قبه کاری آمریکا علیه بشریت!

جنگ خلیج فارس و فعالیت های دیپلماتیک در هفته گذشته

وزیر خارجه جمهوری اسلامی که هفته گذشته دیداری از آلمان به عمل آورد، در بن اظهار داشت دولت عراق از هنگام اعلام "عقب نشینی مشروط" از کویت در روز جمعه ۲۶ بهمن، تصمیم به خروج نیروهایش از کویت گرفته است. یک روز پس از ملاقات گارباچف و طارق عزیز، جرج بوش طرح صلح شوروی را رد کرد و گفت این طرح "در مقایسه با آنچه ضروری است، ناکافی" است. بوش تاکید کرد آمریکا وارد معامله با عراق نخواهد شد.

سرانجام نیمه شب ۲۱ فوریه با اعلام پذیرش طرح صلح شوروی توسط عراق، فعالیت های دیپلماتیک برای صلح، در تقابل با مشی جنگ طلبانه آمریکا به ثمر رسید. در زیر گزارشی از این فعالیت ها طی هفته گذشته را می خوانید:

هفته گذشته، فعالیت های دیپلماتیک برای پایان دادن به جنگ خلیج فارس گسترش یافت. طارق عزیز وزیر خارجه عراق شامگاه یکشنبه ۲۸ بهمن (۱۷ فوریه) از طریق تهران وارد مسکو شد. وی روز دوشنبه ۲۹ بهمن با میخائیل گارباچف دیدار کرد. رئیس جمهور شوروی در این دیدار طرح صلحی به طارق عزیز ارائه کرد که به گفته منابع شوروی، با بر خورد "توام با علاقه و تفاهم" وزیر خارجه روبرو شد. جزئیات این طرح اعلام نگردید. گارباچف پس از ملاقات با طارق عزیز سران کشورهای فربوی، از جمله جرج بوش را تلفنی در جریان پیشنهادهای خود گذاشت. ولایتی

جمهوری اسلامی و طرح صلح شوروی

هفته گذشته و به دنبال شکست هاشمی رفسنجانی برای بدست گرفتن ابتکار صلح در جنگ خلیج فارس، رژیم تهران برای پذیرش طرح شوروی از جانب عراق تلاش های شدید و گسترده ای انجام داد.

سفر ولایتی به آلمان و فرانسه

سفر علی اکبر ولایتی به آلمان و سپس فرانسه مهمترین اقدام جمهوری اسلامی در این راستا بود. ولایتی روز دوشنبه ۲۹ بهمن (۱۸ فوریه) در راس یک هیئت سیاسی به آلمان رفت. وی در جریان اقامت ۳ روزه خود در این کشور با مقامات بلند پایه آلمانی از جمله هلموت کهل صدر اعظم این کشور، گنسر وزیر خارجه و یورگن موله مان وزیر اقتصاد دیدار و گفتگو کرد. ولایتی در دومین روز اقامت خود در یک کنفرانس مطبوعاتی و رادیو - تلویزیونی شرکت کرد. وی در این کنفرانس مجدداً بر تمایل این

جمهوری اسلامی از پذیرش طرح صلح شوروی توسط عراق با شادمانی استقبال کرد و آن را پیروزی دیپلماسی خود و انمود ساخت. در همان نخستین ساعات اعلام پذیرش این طرح از سوی عراق، کمال خرازی سفیر ایران در سازمان ملل متحد از توافق شوروی و عراق اعلام حمایت کرد و گفت: با پذیرش چنین طرحی از سوی عراق، متحدان دیگر نمی توانند حمله زمینی خود را توجیه کنند. امامی کاشانی امام جمعه موقت تهران نیز ساعاتی بعد در خطبه های نماز جمعه سوم اسفند ماه گفت: با پذیرش طرح از سوی عراق امید بازگشت صلح به منطقه بیشتر شده است. وی با انتقاد از آمریکا و متحدینش افزود: اکنون که عراق طرح صلح را پذیرفته، آنها نباید به جنایات خود ادامه دهند. وی تاکید کرد: آنچه مورد نگرانی مردم منطقه است، باقی ماندن نیروهای آمریکایی در منطقه است. در روزهای بعد، سایر مقامات جمهوری اسلامی نیز از توافق عراق و شوروی اعلام رضایت و پشتیبانی کردند.

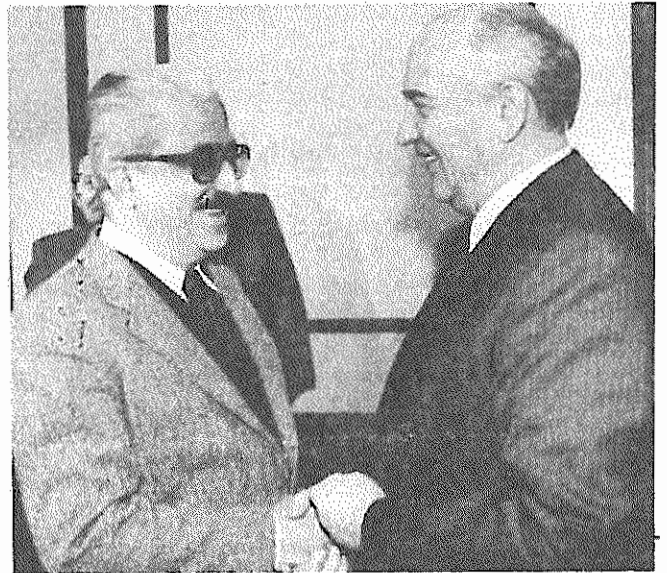
در این شماره

سینمای بی نقاب سلطنت طلبان ۵ صفحه

کنگره حزب دمکراتیک چپ ایتالیا ۵ صفحه آخر

فدرالیسم مسئله ایران نیست ۸ صفحه

جنگ علیه محیط زیست ۵ صفحه آخر



مجلس خبرگان تشکیل شد

نخستین اجلاس این مجلس، نمایش وحدت ائتلاف حاکم علیه تندروها بود

نخستین اجلاس دومین دوره مجلس خبرگان روز چهارشنبه اول اسفند ۶۹ (۲۵ فوریه) در تهران گشایش یافت. این اجلاس تنها یک روز ادامه داشت و ۷۴ نفر از خبرگان در آن حضور داشتند. دستور جلسه نخستین اجلاس دومین دوره خبرگان، انتخاب هیئت رئیسه بود. مطابق گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی

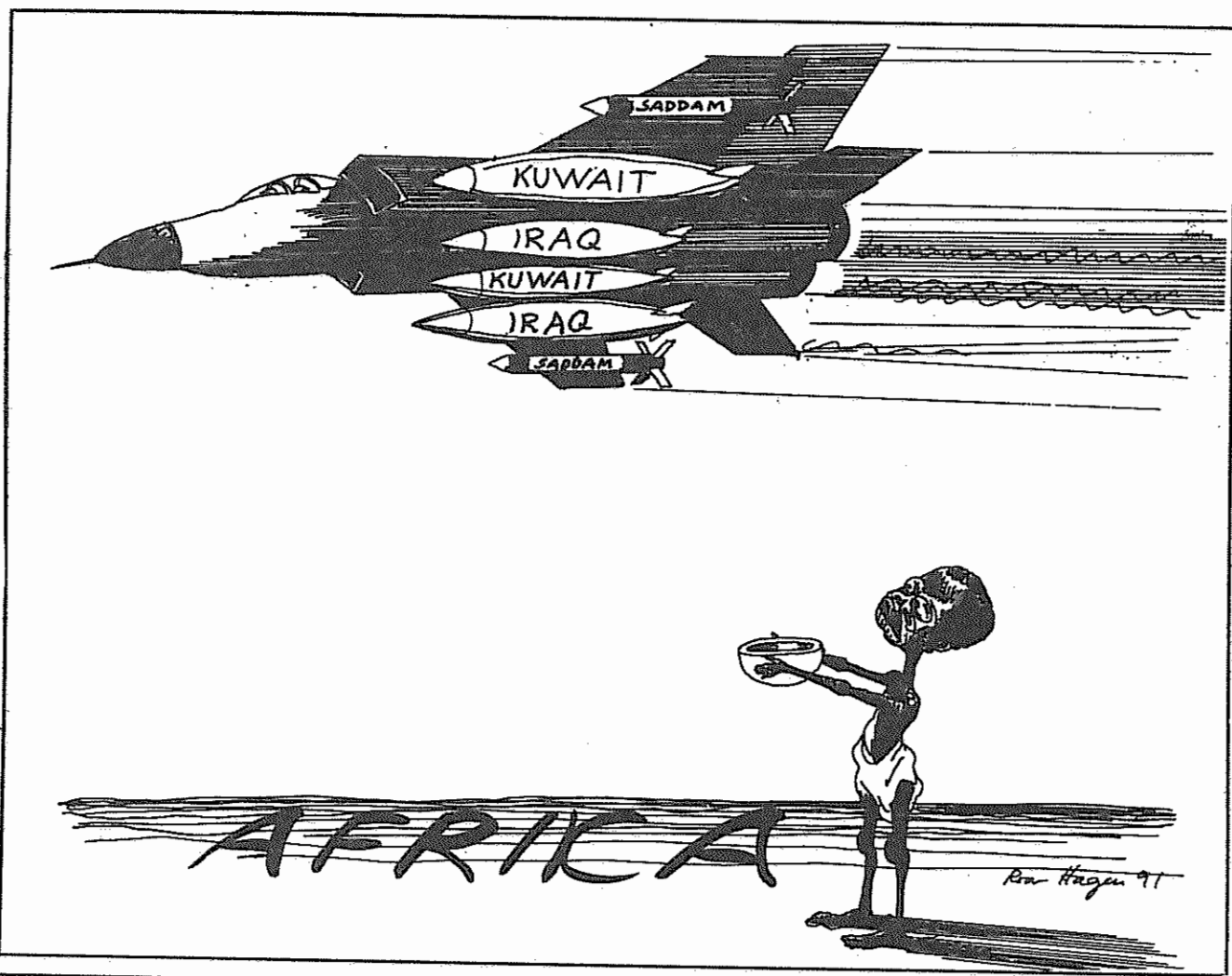
جمهوری اسلامی و ...

در جهت قطع جنگ برعهده گیرد. آنچه که در دیپلماسی جمهوری اسلامی نسبت به بحران کنونی جای اول را دارد، نگرانی نسبت به ساختار امنیتی و تحولات منطقه بعد از پایان جنگ است. دولت هاشمی رفسنجانی علیرغم تمایلات آشکار و پنهان برای نزدیکی به آمریکا و مادی سازی رابطه خود با این کشور، مایل نیست که آمریکا پس از جنگ نفوذ بلامناهی در منطقه پیدا کند. و به ویژه نیروهای خود را در آنجا نگاه دارد. تلاش‌های جمهوری اسلامی برای قطع جنگ، در این واقعیت نهفته است که این رژیم علیرغم رضایت اعلام شده از انهدام ماشین جنگی عراق و رفع خطر آن به عنوان یک رقیب نیرومند منطقه‌ای، به شکست کامل عراق در جنگ نیز راضی نیست و آن را عاملی برای آتایی بی‌چون و چرای آمریکا در خاورمیانه و خلیج فارس می‌شناسد.

بقیه از صفحه اول
جمهوری اسلامی به یافتن یک راه حل سیاسی تاکید نمود و گفت که این راه حل باید بر عقب نشینی کامل و بدون قید و شرط عراق از کویلهای عقب نشینی همزمان نیروهای خارجی از منطقه متکی باشد. وی گفت: اگر دو طرف این مهم را بپذیرند، آنگاه می‌توان نحوه اجرای آن را دنبال کرد. ولایتی خاطر نشان ساخت که بطور مثال نیروهای سازمان ملل می‌توانند مابین نیروهای عراق و قریبی مستقر شوند و سپس عقب نشینی آغاز شود.

ولایتی در جریان اقامت کوتاه خود در فرانسه با فرانسوا میتران رئیس جمهور و رونالد دوما وزیر امور خارجه این کشور، ملاقات کرد. او هنگام بازگشت به تهران نتایج گفتگوهای خود در آلمان و فرانسه را مثبت و سازنده خواند و گفت: نظرات مقامات آلمانی در زمینه بحران، تشابه زیادی به ایران دارد و آنها روی حل صلح آمیز بحران، عقب نشینی عراق از کویلهای جنوبی، بازگشت استقلال به این کشور، و تأمین امنیت منطقه با حضور کشورهای خود منطقه تاکید دارند. وزیر خارجه رژیم مذاکره با مقامات فرانسوی را «بسیار سازنده» نامید و ابراز امیدواری کرد که مشورت‌های دو کشور تداوم یابد.

در راستای تلاش‌های دیپلماتیک جمهوری اسلامی برای قطع جنگ هفته گذشته هاشمی رفسنجانی نیز طی دو تماس تلفنی با تورگوت اوزال و حافظ اسد روسای جمهوری ترکیه و سوریه مذاکره کرد. رفسنجانی در تماس تلفنی خود با اوزال از وی خواست تا همه تلاش‌های خود را برای تشویق کشورهای غربی جهت خویشتن داری از آغاز جنگ به زمینی به کار گیرد تا از این فرصت استفاده شود و عراق تشویق به برداشتن گام‌های عملی در جهت عقب نشینی از خاک کویلهای دولت هر چند اوزال از تلاش‌های دولت رفسنجانی برای برقراری صلح تشکر کرد، اما هفته گذشته در جریان یک مصاحبه مطبوعاتی مخالفت خود با طرح صلح شوروی را اعلام داشت و گفت جنگ باید تا سرنگونی صدام حسین ادامه یابد. جمهوری اسلامی توانست با حمایت از طرح شوروی، نقش فعالتری در اقدامات دیپلماتیک



آمریکا جنگ زمینی را آغاز کرد

مواضع آمریکا به آن اندازه نبود که به شروع چنین جنگی بیانجامد. با اعلام پذیرش طرح صلح شوروی از سوی صدام حسین در نخستین ساعات بامداد پنجشنبه ۲۱ فوریه ۹۱، امید به قطع جنگ و جلوگیری از نبرد زمینی جهان را فراگرفت. بسیاری از دولت‌ها، مجامع و احزاب با حمایت از این طرح صلح خواهان قطع جنگ شدند و ابتکار صلح گارباچف را مورد تأیید قرار دادند. کشورهای بازار مشترک اروپا، منجمله کشور فرانسه که نیروی نظامی قابل توجهی نیز در منطقه مستقر کرده است، طرح صلح شوروی را یا صریحا یا با جملات دیپلماتیک به عنوان راهی برای قطع جنگ مورد ارزیابی قرار دادند. اما دولت جرج بوش این طرح صلح را رد کرد و بایک اولتیماتوم خودسرانه عراق رادر برابر تسلیم بدون قید و شرط و صلح قرار داد. مطابق این اولتیماتوم دولت عراق می‌بایست ظرف ۴۸ ساعت شهر کویله و ظرف ۴ روز تمام شیخ نشین کویله را بدون هیچگونه قید و شرطی ترک کند. همانگونه که معلوم بود، عراق اولتیماتوم قدرمنشانه دولت آمریکا را رد کرد. شوروی برنامه ای برای خروج نیروهای عراقی از کویله ظرف ۲۱ روز ارائه داد. در آخرین ساعات شبی که جنگ از جمله آغاز شد، تلاش‌های بسیاری در زمینه بوسیله سفرای چین و شوروی در سازمان ملل متحد برای دستیابی به یک توافق بینابینی بین طرح صلح شوروی و اولتیماتوم آمریکا صورت گرفت. گارباچف از بوش خواست که حمله زمینی را ۴۸ ساعت به تعویق اندازد، اما دولت آمریکا به خواست جامعه جهانی وقعی ننهاد. در ساعات ۳/۵ شب یکشنبه ۲۴ فوریه ۹۱ تانک‌های آمریکایی به فرمان جرج بوش برای قتل عام و له کردن انسانها به حرکت در آمدند.

بقیه از صفحه اول
تجاجات متحدین را دفع کرده و تلفات بسیاری به آنها وارد آورده است. بنا به اطلاعات پراکنده نیروهای آمریکایی، انگلیسی و فرانسوی از چندین جبهه حمله زمینی را که بزرگترین حمله پس از جنگ دوم جهانی نامیده شده تصرف بصره است. دولت آلمان از متحدین در جنگ پشتیبانی کرده است. به گزارش خبرگزاریها فرانسه میتران رئیس جمهور فرانسه بر ضرورت ورود نیروهای نظامی غربی به خاک عراق تاکید کرده است. گفته میشود آمریکاییان از سربازان عرب شرکت کننده در ائتلاف در خطوط مقدم استفاده میکنند. سربازان مصری از جمله این سربازان هستند. رژیم جمهوری اسلامی در نخستین واکنش‌های رسمی خود از شروع جنگ زمینی ابراز تاسف کرد و تاکید نمود که بر مواضع خود باقی خواهد ماند. بنا به گفته معاون وزارت امور خارجه آمریکا، دولت بوش ساعتهایی قبل از حمله، از طریق سفارت سوئیس در تهران، ایران را در جریان اقدام خود مبنی بر شروع جنگ قرار داده بود و از دولت اسلامی خواسته بود که موضع بیطرفی خود را حفظ کند. شروع جنگ زمینی تحرک جدیدی در جنبش صلح پدید آورده است. در مادرید و بارسلون به دعوت سندیکاها و سازمانهای صلح، هفتاد هزار تن در اعتراض به جنگ دست به تظاهرات زدند. کشورهای عربی نیز با اوج تازه ای از تظاهرات ضد جنگ و آمریکا مواجه شده اند. دانشجویان مصری در قاهره علیه شروع جنگ زمینی تظاهرات کردند. دولت اتحاد شوروی نیز از شروع جنگ ابراز تاسف کرد. در بیانیه دولت این کشور تاکید شده است که اختلاف مابین طرح صلح شوروی و

مجلس خبرگان تشکیل شد

گرفتن مشکلات مردم راه را برای ایشان هموار کنیم. سیداحمد، هاشمی رفسنجانی رشته سخن را به دست گرفت. اول قول داد که از راه خمینی دفاع کند و نگذارد خط او فراموش شود و "آنچه امام برای آن می‌سوخت و تلاش می‌کرد از دست برود". وی سپس به تعریف متقابل از خامنه‌ای و سیداحمد خمینی پرداخت. رفسنجانی از تصمیم مجلس خبرگان اول در مورد انتخاب خامنه‌ای دفاع کرد و گفت: از کاری که کردیم کاملا راضی هستیم. وی سپس بطور غیرمستقیم تندروها که مشروعه‌یت انتخابات و انتخاب شدگان را به زیر سوال برده‌اند حمله کرد و از درستی انتخابات، شرکت گسترده مردم و انتخاب "چهره‌های پیشتاز انقلاب و شایسته" تجلیل کرد. وی در مورد سیداحمد خمینی فت: "مورد حضرت امام خصوصا برادر گرانقدرمان حضرت حجت الاسلام والمسلمین حاج سیداحمد خمینی با همه همت خود تلاش می‌کنند نگاهبان راه و افکار و اندیشه‌های امام باشند و همچون چراغی در میان ما حضور دارند که امت ما مسلما قدر این موقعیت را می‌شناسند. یک شب بعد، رفسنجانی خبرگان را به شام دعوت کرد و آنها را در جریان آخرین تحولات بحران خلیج فارس و اقدامات جمهوری اسلامی در این زمینه و مسایل داخلی قرار داد. اجلاس یک روزه مجلس خبرگان، این در ظاهر امر و قبل از هر چیز نمایش وحدتی بود میان ائتلاف حاکم خامنه‌ای - رفسنجانی علیه تندروهایی که با قلمبازی دردمند در پشت در این مجلس ماندند و به داخل آن راه داده نشدند.

مجددای متقابل خامنه‌ای - رفسنجانی - احمد خمینی از یکدیگر!

آخوندهای شرکت کننده در این مجلس، پس از پایان اجلاس خود به دیدار خامنه‌ای شتافتند. وی در سخنرانی خود به تعریف و تمجید از مجلس خبرگان پرداخت. اما موضوع اصلی در سخنرانی او حمایت از رفسنجانی بود. او گفت: حمایت و پشتیبانی بدون قید و شرط از مسئولان کشور، به ویژه مسئولان اجرایی، به خصوص رئیس جمهور محترم که خود را وقف کشور و ملت کرده‌اند یک وظیفه مهم به شمار میرود. او افزود: تذکر و انتقاد دوستانه و برادرانه به معنای عدم حمایت نیست، بلکه طرح مطالب خلاف واقع و حمله کردن و متهم کردن مسئولان از سوی هر که که باشد خیانت است. او پس از این سخنان که بطور مشخص متوجه تندروهای حکومتی بود، به دلجویی ظاهری از آنان نیز پرداخت و گفت: کسانی که به مجلس خبرگان نیامدند شخصیت و قدر معنوی آنان محفوظ است و این نشانه عدم صلاحیت آنان نیست، بلکه بسیاری از آنها صلاحیت‌های بالا و والایی هم دارند و به صدق و صفا جهاد فی سبیل الله مشهورند و در مراحل گوناگون انقلاب بوده و هستند. خبرگان پس از آن به مزار خمینی رفتند و در آنجا پشت سر سیداحمد خمینی نماز خواندند. سپس "یادگار امام" برای آنان سخنرانی کرد. موضوع اصلی سخنرانی سیداحمد نیز دفاع از رفسنجانی بود. وی گفت: شخصی در راس کارهای اجرایی کشور قرار گرفته که سالیان سال برای اسلام شکنجه شده و زجر دیده است و امروز برای دفاع از آرمانهای امام از تمام وجود خود مایه می‌گذارد و ما باید با در نظر



بقیه از صفحه اول

جنگ خلیج فارس و فعالیت های دیپلماتیک

طارق هزیز به او ارائه کرده است، "یک برنامه عمل مشخص" است. در آن روز این سخنگو از دادن اطلاعات پیرامون جزئیات طرح خودداری و تنها به گفتن این نکته اکتفا کرد که پیشنهاد شوروی متضمن "موضع اصولی شوروی مبنی بر عقب نشینی عراق از کویت" است.

طارق هزیز که از سوی سعدون حمادی معاون نخست وزیر عراق همراهی می شد، بلافاصله پس از ملاقات با گارباچف اعزام تهران شد تا از طریق ایران به کشورش باز گردد. دولت شوروی خاطر نشان کرد که انتظار دارد عراق "بلافاصله" به طرح صلح گارباچف پاسخ دهد.

سخنگوی رئیس جمهور شوروی مذاکرات طارق هزیز در مسکو را "بسیار سازنده" خواند و در پاسخ به این سؤال که آیا طرح صلح شوروی برای حل بحران خلیج فارس ایجاد امید می کند یا نه، گفت: "حتی فراتر از این". این سخنگو افزود وابتکار شوروی "با توجه به وضعیت واقعی و با این هدف که از گسترش باز هم بیشتر خونریزی جلوگیری شود" طراحی شده و از جمله، پیشنهاد ۲۶ بهمن عراق مبنی بر خروج از کویت تحت شرایط معین رادر نظر گرفته است.

سخنگوی رئیس جمهور شوروی گفت هنوز معلوم نیست مذاکرات مسکو بتواند تعاجم زمینی آمریکا را به تعویق بيفکند. گارباچف قبل از دیدار با طارق هزیز طی نامه ای از جرج بوش خواسته بود آغاز حمله زمینی به عراق در مسکو موکول شود. روزنامه لو موند چاپ پاریس روز ۱۸ فوریه (۲۹ بهمن) گزارش داد گارباچف (۲۳ تا ۳۶ ساعت) فرستاده دارد که مذاکرات خود را عراق را به موفقیت برساند.

روز دوشنبه ۲۹ بهمن یک مقام دولتی آمریکا گفت تنها یک "پرخش بسیار قابل توجه" عراق می تواند آغاز جنگ زمینی را به تعویق اندازد. یک سخنگوی پنتاگون اعلام کرد عملیات نظامی علیه عراق ابتکار صلح شوروی ادامه دارد و به فرماندهی نیروهای آمریکا در خلیج فارس "دستوری برای تغییر وظایف داده نشده است".

ژنرال مصطفی طلاس وزیر دفاع سوریه از مذاکرات شوروی و عراق انتقاد کرد. وی در مصاحبه با روزنامه فرانسوی میگوید گفت شوروی بعد از این گفتگوها پیشیمان خواهد شد زیرا پیشنهادهای عراق یک "ترفند" بیش نیست.

رئیسجانی روز ۲۹ بهمن در تهران گفت برای صلح در خلیج فارس چشم اندازهای امیدوار کننده ای وجود دارد. وی افزود: "تلاش های متمرکز" برای پایان دادن به نبرد باید ادامه یابد.

جرج بوش روز سه شنبه ۳۰ بهمن (۱۹ فوریه) در دیدار با رهبران کنگره آمریکا از اینکه گارباچف یک نسخه از طرح صلح خود را برای او ارسال داشته است، اظهار رضایت کرد و گفت که دولت آمریکا شامگاه دوشنبه ۲۹ بهمن (۱۸ فوریه) نظر خود را درباره این طرح به اطلاع شوروی رسانده است. بوش گفت: "نه معامله ای با عراق صورت خواهد گرفت و نه امتیازی داده خواهد شد." وی افزود: "پرزیدنت گارباچف از من خواهد بندی

این کشور (کویت) نابود نشود. چنین تعاملی، به معنای خسارات و ویرانی های گسترده خواهد بود. همین امر مهمترین علت پیشنهاد ما به عراق است."

الکساندر بسمرتنیک وزیر خارجه شوروی اظهار داشت احوالی کویت به مثابه یک دولت مستقل، پیش شرط حل بحران خلیج فارس است. وی روز سه شنبه ۳۰ بهمن (۱۹ فوریه) طی نطقی در پارلمان شوروی در همین حال افزود مسکو می خواهد عراق "دولتی شکوفا با تمامیت ارضی" باشد، دولتی که "نقش قابل توجهی در جامعه جهانی ایفا کند".

آندره گراچف یکی از مشاوران گارباچف در مصاحبه ای گفت صدام حسین در جنگ خلیج فارس نه تنها از لحاظ نظامی، بلکه همچنین از لحاظ سیاسی و اخلاقی بازنده خواهد بود. گراچف افزود پس از این شکست، به عمل آوردن نتیجه گیری های لازم به عهده ملت عراق است. این مقام شوروی گفت تعاجم زمینی نیروهای آمریکا و متحدانش "برای ارتش صدام، کشور عراق، مردم عراق و احتمالاً خود صدام مرگ آور خواهد بود."

اکثر وزرای خارجه ۱۲ کشور عضو بازار مشترک اروپا از طرح صلح شوروی ابراز رضایت کردند. این وزرا در نشست فوق العاده خود در لوکزامبورگ خاطر نشان کردند که طرح شوروی نشان می دهد این کشور به ائتلاف ضدعراقی وفادار است و از قطعنامه سازمان ملل دایر بر عقب نشینی بدون قید و شرط عراق از کویت عقب نشینی نکرده است.

گنشر وزیر خارجه آلمان گفت پس از عقب نشینی از کویت، عراق می تواند مسائل دیگر را "مطرح" کند.

گزارش های غیر رسمی حاکی است پیشنهاد شوروی متضمن بقای رژیم حاکم بر عراق است. در حاشیه اجلاس وزرای خارجه بازار مشترک گفته شد وزیر خارجه هلند از این بخش طرح شوروی به عنوان مداخله در امور عراق انتقاد کرده است.

هفته گذشته شهرهای عراق همچنان مورد حملات شدید هوایی و موشکی قرار گرفت. شب سه شنبه ۳۰ بهمن، بغداد چند ساعت بمباران شد. خبرنگاران خارجی مستقر در هتل رشید بغداد گزارش دادند بیش از ۳۰ انفجار در این شب هتل مزبور راکه در یکی از محلات جدید بغداد قرار دارد، تکان داد. شدت انفجارها به حدی بود که حتی در پناهگاهها نیز دود و غبار ایجاد کرد. آتش سوزی های ناشی از اصابت بمب ها و موشک های بالدار تا یک کیلومتری دیده می شد. صبح روز سه شنبه، محله مزبور پراز ویرانه ساختمان ها و ترکش بمب ها بود.

خبرگزاری جمهوری اسلامی گزارش داد شهرهای جنوب عراق مورد بمباران های شدید قرار گرفته است. بار دیگر صدای انفجارها در آبادان و خرمشهر شنیده شد. صبح روز سه شنبه بصره دوباره مورد حمله هوایی قرار گرفت. در این روز عراق از ۶۵ حمله هوایی آمریکا و هم پیمانانش به اهداف غیرنظامی خبر داد. راديو بغداد به نقل از اطلاعیه شماره ۵۴ فرماندهی ارتش عراق گفت: "آمریکا و صهیونیست های جنایتکار و هم پیمانانشان در ۲۴ ساعت گذشته به حملات وحشیانه خود برای خرد کردن روحیه مردم عراق ادامه دادند، اما در این کار با شکست مواجه شدند."

گزارش های غیر رسمی حاکی است پیشنهاد شوروی متضمن بقای رژیم حاکم بر عراق است. در حاشیه اجلاس وزرای خارجه بازار مشترک گفته شد وزیر خارجه هلند از این بخش طرح شوروی به عنوان مداخله در امور عراق انتقاد کرده است.

هفته گذشته شهرهای عراق همچنان مورد حملات شدید هوایی و موشکی قرار گرفت. شب سه شنبه ۳۰ بهمن، بغداد چند ساعت بمباران شد. خبرنگاران خارجی مستقر در هتل رشید بغداد گزارش دادند بیش از ۳۰ انفجار در این شب هتل مزبور راکه در یکی از محلات جدید بغداد قرار دارد، تکان داد. شدت انفجارها به حدی بود که حتی در پناهگاهها نیز دود و غبار ایجاد کرد. آتش سوزی های ناشی از اصابت بمب ها و موشک های بالدار تا یک کیلومتری دیده می شد. صبح روز سه شنبه، محله مزبور پراز ویرانه ساختمان ها و ترکش بمب ها بود.

خبرگزاری جمهوری اسلامی گزارش داد شهرهای جنوب عراق مورد بمباران های شدید قرار گرفته است. بار دیگر صدای انفجارها در آبادان و خرمشهر شنیده شد. صبح روز سه شنبه بصره دوباره مورد حمله هوایی قرار گرفت. در این روز عراق از ۶۵ حمله هوایی آمریکا و هم پیمانانش به اهداف غیرنظامی خبر داد. راديو بغداد به نقل از اطلاعیه شماره ۵۴ فرماندهی ارتش عراق گفت: "آمریکا و صهیونیست های جنایتکار و هم پیمانانشان در ۲۴ ساعت گذشته به حملات وحشیانه خود برای خرد کردن روحیه مردم عراق ادامه دادند، اما در این کار با شکست مواجه شدند."

گزارش های غیر رسمی حاکی است پیشنهاد شوروی متضمن بقای رژیم حاکم بر عراق است. در حاشیه اجلاس وزرای خارجه بازار مشترک گفته شد وزیر خارجه هلند از این بخش طرح شوروی به عنوان مداخله در امور عراق انتقاد کرده است.

هفته گذشته شهرهای عراق همچنان مورد حملات شدید هوایی و موشکی قرار گرفت. شب سه شنبه ۳۰ بهمن، بغداد چند ساعت بمباران شد. خبرنگاران خارجی مستقر در هتل رشید بغداد گزارش دادند بیش از ۳۰ انفجار در این شب هتل مزبور راکه در یکی از محلات جدید بغداد قرار دارد، تکان داد. شدت انفجارها به حدی بود که حتی در پناهگاهها نیز دود و غبار ایجاد کرد. آتش سوزی های ناشی از اصابت بمب ها و موشک های بالدار تا یک کیلومتری دیده می شد. صبح روز سه شنبه، محله مزبور پراز ویرانه ساختمان ها و ترکش بمب ها بود.

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

گسترش جنگ

تبهکاری آمریکا علیه بشریت!

سرانجام جنگ افزوزان آمریکایی حمله زمینی گسترده به عراق و کویت را آغاز کردند و جنگ ضد بشری خلیج فارس را در صبحدم امروز به مرحله فاجعه بارتر نبرد همه جانبه زمینی، دریایی و هوایی گسترش دادند.

یورش چکمه پوشان آمریکایی در شرایطی آغاز شد که حکومت عراق طرح صلح پیشنهادی اتحاد شوروی را پذیرفته و برای تخلیه کویت در فاصله سه هفته بعد از استراحت آتش بس اعلام آمادگی کرده بود و همه شرایط برای قطع جنگ و خروج اشغالگران عراقی از کویت بدون وقوع فجایع تازه مهیا شده بود.

شتاب جنون آمیز کاخ سفید در آغاز جنگ زمینی یکبار دیگر نشان داد که امپریالیسم آمریکا در منطقه خلیج فارس اهدانی ضد بشری را تعقیب میکند و "آزاد سازی کویت" تنها بهانه ایست برای سرپوش نهادن بر اهداف واقعی آمریکا.

حکومت بوش که در راستای منافع انحصارات نظامی و نفتی و به تصد تأمین و تثبیت مقام ژاندارمی انحصاری آمریکا به خلیج فارس لشکر کشید، به خواست بشریت مبنی بر توقف جنگ و قعی نگذاشت و به ندای صلح طلبی جهانیان همانگونه پاسخ داد که صدام حسین در آغاز اشغال کویت داده بود.

دولت آمریکا در هراس از افکار عمومی مردم آمریکا و بشریت مترقی و سانسور مطلق را بر رسانه های گروهی اعمال کرده است تا بتواند قتل عام مردم بیگناه عراق را که به بهانه نابودی ماشین جنگی صدام حسین صورت میگیرد، از چشم جهانیان پنهان بدارد.

در حمام خونی که اینک در صحرای عربستان و کویت به راه افتاده، هزاران سرباز حرب، آمریکایی، و اروپایی قربانی جنون توسعه طلبی صدام حسین و عظمت طلبی کاخ سفید شده و میشوند. اگر تادیب و "آزاد سازی کویت" مستمسک پنتاگون برای این جنگ افزوزی و وحشیانه بود، امروز پس از آنکه عراق تخلیه کویت را پذیرفت، هیچ منطق و بهانه ای نمیتواند تداوم عملیات وحشیانه "طوفان صحرا" را توجیه کند. در جنگ جنون آمیزی که هر دو طرف آن تجاوزگرانی خونخوار و ضد انسانیست، این تنها حقیقت، آزادی، حرمت و کرامت انسان است که در آستانه قرن بیست و یکم در مسلخ بربریت و توحش قربانی میشود. این جنگ لکه ننگی بر دامان بشریت و بیانگر این حقیقت در دناک است که هنوز در جهانی که میتواند و باید خانه امن انسانها باشد، جمعی جنایتکار تحت نام "سیاستمدار" مقدرات مردم را به بازیچه امیال پست و حیوانی خویش بدل میسازند. این جنگ نه آنگونه که صدام حسین جنایتکار اداها میکند، جنگ رهایی بخش دنیای به بند کشیده علیه انحصارات فارتگر جهانی است و نه آنطور که کاخ سیاه واشنگتن مدهی است، نبرد در راه آزادی و استقلال ملتها. این وحشی گری جنون آمیز، درگیری توسعه طلبانه یک دیکتاتور ماجراجو و خونریز از یک سو و عظمت خواهی و برتری طلبی حکومت انحصارات نفتی و نظامی از سوی دیگر است و هم از این رو است که بشریت مترقی علیه تداوم آن پیکار میکند.

مردم میهن ما که داغ زخم جنگی هشت ساله را بر بدن دارند، در دو رنج مردم ستمدیده دو کشور همسایه، عراق و کویت را که قربانیان اصلی جنون صدام و بوش اند، با تمام وجود درک میکنند و سران وحشی حکومت عراق و سردمداران برتری طلب آمریکا را جنایتکار جنگی میشناسند.

ما ضمن اعلام انزجار همیق نسبت به این جنگ ضد انسانی، مراتب تاسف همیق خود را از نقش منتهی شورای امنیت سازمان ملل متحد که با تصویب قطع نامه اولتیماتوم تیغ در دست زنگی مست نهاد، ابراز میداریم و بر این باوریم که وظیفه سازمان ملل متحد نه صدور جواز جنگ که حفظ صلح به هر قیمت است.

ما از سازمان ملل متحد می طلبیم که در اس پیکار بشریت برای قطع جنگ قرار گیرد و با بسیج همه امکانات علیه جنگ طلبی آمریکا، خطای فاحش خویش در آغاز و تداوم این جنگ را جبران کند.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت، ضمن تأیید اقدامات رژیم جمهوری اسلامی برای قطع جنگ، مراتب نفرت خود را از یاهه سرانی های نوکران ایرانی آمریکا که به دفاع از جنگ و حمایت از چکمه پوشان آمریکایی بر خاسته اند، ابراز میدارد.

همه هم میچنان شریف و آزاده را به شرکت گسترده در پیکار جهانی علیه جنگ طلبی آمریکا و در راه قطع بلادرنگ جنگ علیه مردم عراق فرا میخوانیم و ایمان داریم که بشریت صلح طلب قادر است مبارزه بی امان خویش حکومت جنگ طلب، و قیح و قلدر منش آمریکا را بر سر جای خود بنشاند.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت
یکشنبه ۱۵ اسفندماه ۱۳۶۹ -

است ارتش های حرب متحد آمریکا و ارتش عراق متحمل ۱۵۰ هزار نفر تلفات، از جمله ۳۵ هزار تن کشته خواهند گردید. ارقام فوق را کارشناسان جمعیت مزبور طی تحقیقاتی در قاهره، امان و بغداد محاسبه کرده اند. گزارش پزشکان مخالف جنگ هسته ای از ۱۰۰ هزار نفر تلفات در میان افراد غیر نظامی در صورت

در این اطلاعیه آمده است طی ۲۴ ساعت، نیروهای فربی ۲۴۴ بار حملات هوایی انجام داده اند که ۱۷۹ مورد آن علیه اهدانی در "جبهه جنوب"، یعنی جنوب عراق و کویت بوده است. هفته گذشته برای نخستین بار یک کشتی جنگی آمریکایی به یک مین دریایی برخورد و آسیب جزئی دید. در شمال خلیج فارس، در نزدیکی سواحل کویت، بزرگترین تمرکز کشتیهای جنگی از هنگام جنگ کره در چهل سال پیش انجام گرفته است. این نیرو شامل ۳۱ "واحد"، از جمله رزمناوها، ناو هواپیمابر، ناوهای موشک انداز و ناوهای نغزبر است. بیش از ۷۰ هزار تفنگدار دریایی آمریکا بر هر سه این کشتیها آماده پیاده شدن در سواحل کویت اند.

به گفته یک ژنرال فرانسوی، در شمال عربستان نیروهای ائتلاف ضدعراقی آماده حمله زمینی اند. عملیات اکتشافی گسترش یافته است و در مواردی، نیروهای غربی دست به پیشرویی های زده اند. برای گمراه کرده عراقی ها، این نیروها دائماً در حال حرکت اند.

خبرگزاری جمهوری اسلامی گزارش داد تعداد فزاینده ای از کودکان و سالخوردهگان عراقی که به علت حملات هوایی متغین، از شهرهای العماره و ناصریه در جنوب عراق به بیابان های اطراف گریخته اند، در آنجا به علت فقدان پزشکی و سوء تغذیه، در معرض خطر مرگ قرار دارند. جمهوری اسلامی برای پذیرش ۱۰۰ هزار آواره عراقی اعلام آمادگی کرده است

سعدون حمادی معاون نخست وزیر عراق طی دیدار هفته گذشته خود از تهران گفت در ۲۶ روز اول جنگ خلیج فارس، حملات هوایی و موشکی به عراق و کویت به مرگ ۲۰ هزار نفر و مجروح شدن ۶۰ هزار تن انجامیده است. این گزارش که در روزنامه جمهوری اسلامی انتشار یافت، به تعداد قربانیان نظامی و غیر نظامی اشاره ای نمی کند. به گفته حمادی، خسارات ناشی از حملات نیروهای چند ملیتی به ۲۰۰ میلیارد دلار بالغ می شود.

توزگوت اوزال رئیس جمهور ترکیه طی اظهاراتی در شهر آدانا ای کشور خواهان سرنگونی هر چه سریع تر صدام حسین شد. وی گفت باید "گمر صدام را شکست تا جنگ زودتر تمام شود"، و در غیر این صورت "گمر ملت عراق شکسته خواهد شد." اوزال افزود محو رژیم خطرناکی مانند رژیم عراق به سود ترکیه است، و از این رو به نیروی هوایی آمریکا اجازه داده شده است از پایگاه هوایی اینجریلیک ترکیه به عراق حمله کند. رئیس جمهور ترکیه گفت کشورش نسبت به مشارکت در جنگ، در مذاکرات صلح نقش بیشتری خواهد داشت.

در طول هفته گذشته گزارش های فزاینده ای از نبردهای پراکنده زمینی در جنگ خلیج فارس انتشار یافت. همزمان با این نبردها جرج بوش گفت تصمیم به آغاز تهاجم گسترده زمینی را شخصاً خواهد گرفت. رئیس جمهور آمریکا گفت اشغال کویت توسط عراق در آینده "بسیار بسیار نزدیک" پایان خواهد یافت.

طبق برآورد جمعیت بین المللی پزشکان علیه جنگ هسته ای، در جنگ زمینی خلیج فارس حداقل سه هزار و حداکثر ۴۵ هزار نظامی آمریکایی کشته خواهند شد. این پیش بینی حاکی

اروپا و سیدهای ایران

وعده‌های تو خالی

به سیل زدگان سیستان

پس از وقوع فاجعه سیل در سیستان که به بی‌خانمانی بیش از صد هزار تن، از بین رفتن دهها هزار هکتار زمین‌های مزروعی و میلیاردها ریال خسارت به مردم محروم این سرزمین فقرزده منجر گردید، وعده‌های مقامات حکومتی برای کمک به مردم و اصلاح خرابی‌ها شروع شده است. زنگنه وزیر نیرو که اواخر هفته گذشته برای بازدید از مناطق سیل‌زده به زابل رفته بود، اعلام کرد که برای زکشی ۴۵ هزار هکتار زمینهای زراعی سیستان ۲۰ میلیارد ریال و برای خرید ماشین آلات مورد نیاز یک میلیارد ریال اختصاص یافته است. وی گفت دولت به این منطقه "توجه" دارد و چگونگی لایروبی جاهای نیمه همیق و طرح فاضلاب منطقه در دست بررسی است. لازم به یادآوری است که بهنگام بروز سیل قبلی در فروردین ماه سال گذشته در این منطقه نیز حکومت و وعده‌های بسیاری به مردم داد که هیچ‌یک عملی نشد.

گزارشهای رسیده حاکی از آن است که دولت در امداد رسانی به سیل زدگان سیستان بی‌مسئولیتی و بی‌توجهی آشکاری نشان داده است. اکثر سیل‌زدگان بدون کمک در سرمای زمستان رها شده‌اند، از داشتن سرپناه، حتی موقت، محروم مانده‌اند و گرسنگی و انواع بیماری‌ها آن‌ها را تهدید می‌کند. وضع کودکان به‌ویژه دشوار و طاقت‌فرساست.

اعدام ۲۷ نفر به اتهام

شرکت در قاچاق مواد مخدر

در جلسه ستاد مواد مخدر که با حضور هاشمی رفسنجانی تشکیل گردید، وی طی سخنانی بر لزوم ادامه مبارزه با دست اندرکاران قاچاق مواد مخدر تاکید کرد. در جلسه این ستاد اعلام شد که جزیره مهتادین به‌زودی آماده خواهد شد و کسانی که اعتیاد خود را ترک نکنند به آن جزیره منتقل خواهند شد. گزارشی رسیده از ایران حاکی است که اعدام گسترده "قاچاقچیان" هم‌چنان ادامه دارد. به‌نوشته روزنامه جمهوری اسلامی روز ۳۰ بهمن ۲۷ دیگر به جرم شرکت در خرید و فروش و توزیع مواد مخدر در دادگاه انقلاب اسلامی به مرگ محکوم شده و در تربیت حیدریه به‌دار آویخته شدند. به‌نوشته این روزنامه، این افراد به داشتن سلاح گرم و درگیری مسلحانه با مأمورین رژیم اعتراض کرده بودند. گفته می‌شود از زمان تصویب قانون تشدید مجازات قاچاقچیان تاکنون بیش از ۱۵۰ تن به جرم شرکت در قاچاق مواد مخدر اعدام شده‌اند. قانون فوق، کسانی را که ۳۰ گرم هروئین یا خود داشته باشند، محکوم به مرگ کرده است.

کمک‌های انسانی به مردم عراق

۲۵۱ تن دیگر از شهروندان کشورهای هندوستان، سودان و ویتنام روز سه‌شنبه ۳۰ بهمن از مرز خسروی گذشتند و به ایران آمدند. طبق گزارشهای مقامات حکومت اسلامی تاکنون بیش از ۹ هزار تن از خارجی‌ها متخیم عراق به ایران آمده‌اند که بیش از ۳۳۰۰ نفر آنها با همکاری سفارتخانه‌های کشورهای مربوط به کشورهای خود انتقال یافته‌اند. اکثریت کسانی که به ایران آمده‌اند را شهروندان کشورهای هندوستان، بنگلادش، سومالی، سودان، یمن و ویتنام تشکیل می‌دهند. گزارش دیگری حاکی است که کمک‌های جهانی به مردم عراق از طریق ایران ادامه دارد. هفته گذشته ۴۶ کامیون حامل آذوقه، دارو و چادر اهدایی صلیب سرخ آلمان از طریق ترکیه رهسپار ایران شد تا از طریق مأموران صلیب سرخ جهانی به عراق ارسال شود. دولت ایتالیا نیز هفته گذشته کمک‌های غذایی و دارویی خود را از طریق ایران به عراق فرستاد. جمهوری اسلامی نیز روز ۳۰ بهمن ۵ کامیون حامل آذوقه و تجهیزات پزشکی به عراق اعزام داشت. با اینحال سازمان ملل احمر عراق اعلام کرده است که

کمک‌های تکنونی به هیچ‌وجه کافی نیست و خطر گرسنگی و بیماری این کشور جنگ‌زده را تهدید می‌کند. ملال احمر عراق خواهان کمک‌های پزشکی و انسانی گسترده جهانی شده است. به گزارش خبرگزاریها تاکنون ۵۵ تن وسایل پزشکی توسط صلیب سرخ جهانی و ۵۴ تن مواد غذایی توسط سازمان ملل متحد به عراق ارسال شده است.

حمله بانارنجک به

سازمان رتخانہ در تهران

روز اول اسفندماه خبرگزاری جمهوری اسلامی اعلام داشت که سفارتخانه‌های ترکیه، انگلستان و ایتالیا در تهران بانارنجک مورد حمله قرار گرفته است. این خبرگزاری از تلفات احتمالی و میزان خرابی‌ها و اهلان اقدام فوق‌گزارشی منتشر نکرد.

بازگشایی سفارتخانه

جمهوری اسلامی و اردن اعلام داشتند که بدنبال از سرگیری مجدد روابط دو کشور پس از یک وقفه ۱۱ ساله، در آینده نزدیک سفارتخانه‌های خود در پایتخت‌های یکدیگر را بازگشایی خواهند کرد. به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی محمدعلی ظاهر کاردار پیشین سفارت اردن در ایران به‌زودی راهی تهران خواهد شد تا مسئولیت تبلی خود را مجدداً به‌عهده گیرد. کاردار جمهوری اسلامی در اردن شخصی به نام نراقیان خواهد بود که قبلاً سفیر ایران در بحرین بوده است.

اخیراً یک هیئت پارلمانی ایران به ریاست محمد سلامتی به امان رفت و با مقامات اردنی ملاقات و گفتگو کرد. در پایان این دیدار بیانیه‌ای در مورد جنگ در خلیج فارس منتشر شد که در آن امریکا به شدت مورد حمله قرار گرفته بود.

خامنه‌ای: نیروهای مسلح

نباید وارد سیاست شوند

روز دوشنبه ۲۹ بهمن (۱۸ فوریه) علی‌خامنه‌ای به‌مناسبت روز پاسدار، گروهی از فرماندهان و اعضای سپاه و کمیته‌ها را به حضور پذیرفت و برای آنها سخنرانی کرد. او ضمن تعریف و تمجیدهای همیشگی از این دو نهاد سرکوبگر آنها را به "حفاظت و حراست بیشتر از نظام" فراخواند و تاکید کرد که سپاه پاسداران باید قدرت نظامی و رزمی خود و هر آنچه را که برای یک مجموعه نظامی لازم است، تقویت کند، او بر لزوم انضباط بیشتر و حفظ سلسله مراتب در این دو نهاد تاکید کرد. خامنه‌ای در بخش دیگری از سخنان خود، مأمورین مسلح رژیم را از ورود به احزاب منع کرد و گفت: اعضای کمیته، سپاه و دیگر نیروهای مسلح نباید به احزاب، باندا و دستجات سیاسی وارد شوند و همانطور که امام امت تاکید فرمودند وارد شدن نیروهای مسلح به خط بازیها و گروه‌گری‌ها حرام و ممنوع است. اما آنها باید قدرت درک، تشخیص و قضاوت و تحلیل سیاسی را داشته باشند. تاکید خامنه‌ای مبنی بر دوری نیروهای مسلح از "باندها و دستجات سیاسی" به‌ویژه ناشی از نگرانی کشف شده شدن پای این نیروها به مبارزات داخلی دستجات حکومتی است. سران رژیم به بهانه حفظ انضباط و بهانه‌هایی نظیر آن، ارگانهای مسلح سرکوبگر را بشدت کنترل می‌کنند و هواداران جناحهای رقیب را از صفوف آنها تصفیه می‌کنند.

نمایشگاه اسناد تاریخ معاصر ایران

سومین نمایشگاه اسناد تاریخ معاصر ایران، ۵شنبه گذشته، در موزه دفینه تهران گشایش یافت. این نمایشگاه از سوی موسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی وابسته به بنیاد مستضعفان و جانبازان تشکیل شده و اسناد مربوط به کودتای رضاشاه در سال ۱۲۹۹ و دوره‌هایی از حکومت او را دربر می‌گیرد. در این نمایشگاه بیش از ۱۷۹ تابلو، کتاب و دست‌نوشته مربوط به کودتای ۱۲۹۹ ارایه شده که ۸۰ درصد آن برای نخستین بار به نمایش گذاشته شده است. این اسناد شامل خاطرات، مدارک مربوط به دخالت مستقیم دولتی خارجی به‌ویژه انگلستان در امور داخلی ایران، مراسلات وزارت امور خارجه در زمان رضاشاه و دفاتر حسابهای بانکی رضاشاه در داخل و خارج از کشور می‌باشد. نمایشگاه فوق تا ۱ اسفند برقرار است و ورود آن برای عموم آزاد اعلام شده است.

معلولین را دریابید!

خدمات بهزیستی و

توان بخشی برای معلولین

در قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است:

"بر خورداری از تامین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره حتی است همگانی. دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمد عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک نفر از کشور تامین کند."

علیرغم اینکه قانون اساسی دولت را مکلف به تامین اجتماعی و خدمات و حمایت‌های مالی این دسته از محرومین کشور دانسته است، طبق آمار مسئولین رژیم تنها یکصد و پنجاه هزار یعنی یک دهم از جمعیت ۵۱ میلیونی معلولین زیر پوشش خدمات نارسای بهزیستی قرار دارند. دولت در مقابل بودجه‌های کلان نظامی و تسلیحاتی تنها بخش ناچیزی از بودجه کشور را به بهزیستی که فقط یک درصد بودجه کشور را شامل می‌شود به بهزیستی و توانبخشی و دیگر امور مربوط به معلولین اختصاص داده است. تامین هزینه‌های توانبخشی تاکنون همیشه در آخر لیست مخارج دولت قرار داشته است.

توانبخشی معلولین در حقیقت کمک درست و سازمان یافته به معلولین، و جاری کردن استعدادها، توان و نیروهای خلاق و سازنده معلولین و آمادگی آنها برای زندگی مستقل و متکی به خود و کمک به مشارکت و حضور آنان در فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی جامعه است. توانبخشی مفایر آن فرهنگ رواج داده شده در جامعه ماست که افراد طلیل را بطور جداگانه از طریق خیریه و صدقه "مورد توجه" قرار میدهد. یعنی در واقع آنها را به امان خدایا می‌کند. با الهام از چنین فرهنگی است که آقای فریدون حتی مدیر کل دفتر حمایتی روستایی سازمان بهزیستی ضمن ارائه یک لیست بالا بلند از وظایف آن دفتر و ارائه طرح‌ها و پروژه‌های تحقیقی و پژوهشی زیادی بر روی کاغذ می‌گوید: "... در قسمت توان بخشی مجموعاً سعی بر آن است بر اساس توان بخشی مبتنی بر جامعه... افراد معلول به کمک جامعه حمایت و نگهداری شوند." در واقع دفتر حمایتی روستایی "مجموعه سعی" خود را برای حمایت و نگهداری معلولین از طریق خیریه و صدقه توسط جامعه مصروف میدارد و دولت را تقریباً از چنین حمایتی معاف میکند. آقای مدیر کل در بخش دیگری از سخنان خود می‌گوید: "... نهایت تلاش بعمل می‌آید تا با استفاده از ابزارهای موجود زمینه‌های اشتغال برای آنها (معلولین) فراهم شود. بنابراین معلولین نیز همراه سایر هنرآموزان به کسب مهارت‌های شغلی در حد توان از قبیل

حصیربافی، جاروبافی، گونی بافی، و غیره اشتغال می‌یابند." مقایسه کنی راه حل‌های آقای حتی مدیرکل را با این سخن یکی از کارشناسان بین‌المللی که گفته است: "در شرایط پیشرفته کنونی علم و تکنیک حتی کوادری پلژیها را (کسانی که هم دستها و هم پایانشان فلج است) میتوان همسان با افراد هادی بوسیله امکانات و وسایل پیشرفته کامپیوتری به اشتغال واداشت." "توان بخشی برای همه"

شعار و سیاستی بوده است که در سال ۱۹۷۶ مورد تاکید سازمان جهانی بهداشت قرار گرفت و در این رابطه تدارک گسترده‌ای از جانب سازمان‌های بین‌المللی کار صورت پذیرفت. منظور از توان بخشی برای معلولین در وجه عمده آن، توان بخشی حرفه‌ای است که به برکت آن معلولین امکان یافته وارد بازار کار و اشتغال شوند و از این حق مسلم و انسانی و نیاز طبیعی و اجتماعی بهره‌مند گردند و از این طریق رابطه و مناسبات خود را با جامعه که بدون آن دچار اختلال است، تنظیم کنند.

هم‌اکنون تقریباً ۸۰۰ هزار تن از ۵/۱ میلیون تن معلول کشور در سن اشتغال هستند. مسئله اشتغال و بیکاری که یک مشکل جانکاه عمومی است، برای جامعه معلولین کشور به مراتب حادتر است. نسبت رقم بیکاری در جامعه معلولین تقریباً دو برابر آن در کل کشور است. در حالیکه میزان بیکاری افراد جویای کار در جمعیت فعال ۱۴ درصد است، در جمعیت معلولین ۲۷ درصد می‌باشد. در صف بیکاران منتظر کار، معلولین (حتی معلولینی که دوره توانبخشی را گذرانده‌اند) در انتهای نوبت جا دارند، لذا اگر استخدامی در کار باشد، آنها جزو آخرین کسانی هستند که به استخدام در می‌آیند و در موقع اخراج از محیط کار نیز جزو نفرات اول هستند.

کارفرمایان نیز به دلایل مختلف از جمله عرضه کافی و بیش از حد لزوم نیروی انسانی به بازار کار، عدم اطلاع از تواناییهای بالقوه معلولین و ترس از فیتنیتهای زیاد آنان و تعددات بیشتر در صورت بروز حوادث و اختصاص هزینه زیاد به آنان از احاله کار به معلولین پرهیز میکنند. در حالیکه تجربه نشان داده است اگر فرد معلول از آموزش پایه ای و حرفه‌ای کافی برخوردار گردد و کاری که به او سپرده می‌شود متناسب با توانایی‌های او باشد، تفاوتی در راندمان کارش نسبت به افراد هادی وجود نخواهد داشت. فقدان برنامه برای جاری کردن و بهره‌گیری کامل از استعدادها، معلولین، عدم وجود ضابطه‌های لازم برای برگماردن آنان به کار در کشور ما سبب شده است که افراد هادی وکارا به مشاغل رومی آورند که معمولاً نمیتواند در اختیار معلولین قرار گیرد. این امر محدودیتهای شغلی معلولین را باز هم بیشتر میکند.

سوادآموزی و

آموزش معلولین

در جامعه ما معلولین نسبت به سایر افراد جامعه به علت محدودیت امکانات آموزش ویژه‌ای شانس کمتری برای آموزش برخوردارند. بطور مثال فقدان امکان ویژه رفت و

«بقیه در صفحه ۸»

سپماى بى نقاب سلطنت طلبان

ف.تابان

گونه حمایتی هستند. اما نیروهای ملی و دموکرات ایران، حتی اگر سلطنت طلبان شب و روز نیز قسم بخورند، هرگز باور نخواهند کرد که سران امریکایی تاهمین کننده امنیت ملی آنها باشند. وجود هر سران امریکایی در منطقه خطری است و واقعی برای منافع و امنیت ملی کشور ما.

دفاع از جنگ، حضور نیروهای امریکایی در منطقه و پیوستن ایران به این نیروها، و جبه سیاست شوونیست های ایرانی در قبال این جنگ و بحران خلیج فارس است. می توان تصور کرد که اگر دولت شاهنشاهی در ایران قدرت را به دست داشت، همانند

دولت ترکیه و شاید آشکارتر از آن به نیروهای چند ملیتی در جنگ می پیوست. این موضعی است که شوونیست های ایرانی آشکار و پنهان آن را بیان می کنند. اما اشتباه است اگر تصور شود، سلطنت

طلبان مایلند جمهوری اسلامی نیز همین موضع را اتخاذ کند. در رویاهای سلطنت طلبان برای بازگشت به قدرت، هرگونه نزدیکی جمهوری اسلامی به امریکا، ضربه جبران ناپذیر است که ادامه آن می تواند به مثابه تیر خلاص بر این جریان باشد.

نگاهی به مواضع سلطنت طلبان (از جمله کیهان لندن) نشان می دهد که آنان با چه حساسیت و نگرانی شاهد تلاشهای دولت رفسنجانی برای نزدیکی با امریکا با استفاده از جنگ کنونی و اقداماتی نظیر طرح های میانجی گرانه، پیشنهادات صلح رفسنجانی و اعلام آمادگی او برای مذاکره مستقیم با امریکا هستند

و با چه شادمانی عظیمی از هر شکست در این راستا استقبال می کنند. آنها با ساجت عجیبی در صداقتات خطر کشیده شدن پای جمهوری اسلامی به جنگ به سود عراق هستند، مذاکرات و رفت و آمدهای نمایندگان جمهوری اسلامی و صدام را به عنوان دلیلی بر این ادعا برجسته می کنند. تلاش های جناح تندرو حکومت برای نزدیکی به صدام را به تیتراهای

اول نشریه هایشان تبدیل می کنند و ... دلایل اصلی اتخاذ این سیاست ها آرزوی ناگفته، اما اصلی و همومی آن هاست که شاید حوادث این جنگ به سمتی برود که پای جمهوری اسلامی نیز در کنار عراق به جنگ کشیده شود. به همین دلیل است که حضور

سربازان امریکایی در منطقه برای طرفداران سلطنت در ایران، بیک قوت قلب است و مورد ستایش قرار می گیرد. آنها امید دارند حماقت جمهوری اسلامی یا هر دلیل دیگری موجب شود تا شاید ستاره بخت سلطنت نیز در خشیند گیرد، "عملیات رهائی بخش آزاد سازی کویت" برای بازگرداندن آل صباح به کویت با "عملیات رهائی بخش آزاد سازی ایران"

توأم شود و حضرات در پناه سربازان امریکایی بار دیگر به ایران باز گردند، بساط تاج و تخت بگسترانند و "دموکراسی" نوع سلطنتی رادر کشور ما برقرار سازند.

مواضع سلطنت طلبان در قبال جنگ باید برای کسانی که دچار فراموشکاری هستند، به حد کافی هشدار دهنده باشد. بین مدافعین صلح، دموکراسی، و انسانیت با هورا کشان جنگ، شوونیسم و منافع بیگانه در های همیق و پرنشاندنی فاصله خود دارد.

دولت های منطقه ای را تفرق سر تسلیح و تجهیز کنند و به جان مردم کشور خود و یا همسایگان بیاندازند و بالاخره از طریق ایجاد سازمان های مناسب منطقه ای برای دفاع و پاسداری از این اصول امکان پذیر است.

حضور امریکاییان در منطقه ما با هیچ یک از این موارد هم خوانی ندارد. خطرات ناشی از قدرت نظامی تجاوزگرانه عراق را نیز نه از طریق قتل عام یک نسل از مردم و انهدام آن کشور، بلکه از طریق تحریم های گسترده اقتصادی و تسلیحاتی می توان محدود و بتدریج خنثی و مهار کرد.

سلطنت طلبان افراطی تر از استدلالات هوشنگ وزیرری ها در دفاع از جنگ، نتایج مورد نظر را می گیرند. کانه سلطانی یکی از اینگونه سلطنت طلبان در انتقاد به سیاست بی طرفی می نویسد:

"بی طرفی در این جنگ چه معنایی دارد و کدام سود از آن نصیب ملت ایران می شود ... این موضع ضد جامعه بین المللی گرچه منطبق با ماهیت رژیم اسلامی است، شایسته ملت و کشور ایران نیست" و ادامه می دهد:

"رژیم هایی چون ترکیه، پاکستان و سوریه و مصر (حتی بنگلدش و مراکش) نیز که هیچ یک نمونه های خود رژیم های دموکراتیک نیستند، مصلحت خود را تشخیص دادند و از هم اکنون از نتیجه این مال اندیشی بهره مند شده اند. فردا در پایان جنگ، دستاوردهای همه آنان بسیار بیشتر نیز خواهد شد."

(کیهان لندن - ۱۸ بهمن). مال اندیشی یک شوونیسم و دستاوردهای مورد نظر او هر چند در اینجا به صراحت مورد اشاره قرار نگرفته است، اما یا تکه هایی از خاک عراق است، یا کمک ها و حق الزحمه های چند میلیارد دلاری قاتلان مردم عراق به خاطر شریک شدن "مال اندیشان" در کشتار مردم و یا یافتن مکانی مناسب در سیستم امریکائی در منطقه.

یک واقعت در اتخاذ این گونه مواضع از سوی سلطنت طلبان، رقابت دیرینه پان عربیسم برتری جویانه بعث عراق و پان ایرانیسم به همان اندازه برتری جویانه دولت شاهنشاهی سرنگون شده ایران برای تسلط بر منطقه است. حاکمان سابق ایران هر چند از اریکه قدرت به زیر کشیده شده و به ده ها گروه خرد و ریز تقسیم شده اند، اما همچنان در رویای احیای دولت شاهنشاهی و تبدیل آن به قدرت اول (و متجاوز) نظامی منطقه هستند. آنها جنگ کنونی را فرصت بسیار مناسبی می دانند تا رقیبی که اینک خارج از کنترل قدرتمند شده، توسط سربازان امریکایی در هم کوبیده شود. صدام حسین برای رویاهای عظمت

طلبانه آنان یک رقیب خطرناک است، اما سربازان متجاوز امریکایی خطری ندارند. عظمت طلبی سلطنت طلبان ایرانی که در میان وابستگان به سیاست های دولت امریکا، حتی امروز نیز جزو ممتازترین شاگردان هستند، با حضور نیروهای امریکایی در منطقه تناقضی ندارد. برای کسانی که فریب استدلال این گروه را بخورند، سربازان امریکایی فرشتگانی خواهند بود که با سرکوب فوئی به نام صدام حسین، که در صدد اشغال کشور ماست، خدمتی بزرگ به ما ایرانیان می کنند و شایسته همه

۵- سلطنت طلبان با خمشی شدید رژیم صدام حسین را محکوم می کنند و خواهان نابودی آن هستند. در این مرصه نیز آنها هم صدا با راست ترین نیروهای محافظه کار هستند، زیرا بطور آگاهانه دلایل واقعی تبدیل شدن صدام حسین به یک قول منطقه ای تجاوزگر را تحریف می کنند. آنها یک صدا جمهوری اسلامی را مسبب تبدیل شدن صدام حسین به یک نیروی تجاوزگر قدرتمند و نمودمی سازند. در این موضع که جمهوری اسلامی به دلیل ادامه جنگ ایران و عراق در تبدیل این دولت به یک دولت سر تا پا مسلح متجاوز سهم داشته، حرفی نیست. اما

مسئولیت اصلی این خطای بزرگ به عهده دولت های بزرگ است که صدام حسین را تا بن دندان مسلح و مجهز ساختند و حتی پس از اشغال کویت به تجهیز وی و فروختن سلاح های شیمیایی به او ادامه دادند. این نیز موضعی است که سلطنت طلبان مایل نیستند به آن اشاره کنند و در صدد تحریف آن برآمده اند.

موارد فوق، نشانگر آن است که سلطنت طلبان ایران جزو محدود نیروهایی در سطح جهان هستند که بدون قید و شرط از سیاست های دولت امریکا در قبال این جنگ دفاع و پیروی می کنند.

سیاست سلطنت طلبان در مورد نقش ایران در این جنگ، روابط ایران و عراق و تحولات آتی منطقه نیز بر همین پایه قرار دارد. یعنی دفاع از منافع امریکا در منطقه و اتخاذ یک سیاست شوونیستی و عظمت طلبانه افراطی.

نیروهای همدمه این طیف به حضور نیروهای امریکایی در منطقه اعتراضی ندارند، آن را به دیده مثبت می نگرند و دیگران را نیز به پذیرش این "واقعت" و احتساب آن به عنوان "داده ثابت" این بحران دعوت می کنند. آنها برای توجیه این سیاست در بر افروختن دشمنی ها میان دو کشور همسایه ایران و عراق و تشدید بی اهمادی دو جانبه سنگ تمام گذاشته اند و حتی مدعی شده اند که عراق از روز نخست جدا شدن از دولت عثمانی و تبدیل شدن به یک کشور مستقل به ایران چشم طمع داشته است. آنها می گویند تا با مترسک صدام نیروهای ملی ایرانی را بغربیند و آنها را راضی سازند که به دامان

آمریکا پناه ببرند. هوشنگ وزیرری که ظاهرا جزو سلطنت طلبان میانه رو است، می نویسد: "آیا آن ایرانیانی که در داخل و خارج کشور آرزوی شکست نیروهای متحد را می کنند می دانند که صدام حسین پیروز، پس از آنکه توده های سوزانده عرب را در پشت سر خود بسیج کرد و زرادخانه اش را دوباره روبرو ساخت، چه خطر سهمگینی برای ایران خواهد بود؟" (کیهان لندن - ۱۸ بهمن). اینگونه

استدلالات به فراوانی از قلم طرفداران رژیم سابق تراوش می کند. اگر بخوامیم با منطق خود آنها مسایل را بررسی کنیم، می توان همین سوال را به گونه ای دیگر طرح کرد و پرسید: آیا آن ایرانیانی که آرزوی پیروزی امریکا را می کنند، می دانند که این متجاوزین پیروز، پس از آنکه حضور خود در منطقه را تحکیم کردند و رژیم های وابسته را بیش از این پشت سر خود بسیج کردند، چه خطر سهمگینی برای یک ایران مستقل (و هر کشور مستقل دیگر) خواهند بود؟

موضع ما اساسا بر پایه آرزوی شکست و یاپیروزی برای این یا آن طرف درگیر در جنگ نیست، زیرا ما با راه حل نظامی مخالفیم، بالاتر از منافع ملی و امنیت ملی ما، انسان دوستی ما حکم می کند که با تمام وجود به مبارزه با جنگی بپردازیم که انسان های بیگانه را گروه گروه قربانی می سازد و تنها در یک بمباران صدها زن و کودک بی گناه را به تلی از گوشت و استخوان سوخته بدل می سازد. کسی که به بهانه "منافع ملی" بر یک چنین جنایاتی صحه گذارد و خواهان ادامه آنها شود، از ملی گرایی که هیچ، از انسانیت نیز تنها نامی بر خود دارد. انسان دوستی به ما حکم میکند که خواهان قطع بدون قید و شرط این جنگ جنایتکارانه و حل مسالمت آمیز بحران باشیم. این خواست با منافع ملی کشور ما نیز هم خوانی دارد. قطع بدون قید و شرط جنگ یعنی شکست سیاست قلدرمنشانه امریکا و مقابله با حاکمیت نظم امریکایی بر جهان و منطقه ما و حل مسالمت آمیز بحران یعنی مقابله متحدانه جامعه جهانی از راه های انسانی برای عقب راندن رژیم عراق و درهم شکستن سیاست تجاوزکارانه آن.

منفعت ملی ما حضور امریکا در منطقه، کنترل آن بر نفت خلیج فارس و مشت آهنین آن در قبال مبارزات ملت ها نیست، منفعت ملی ما دامن زدن به دشمنی میان ایران و همسایگان نیست. منفعت ملی ما، تامین امنیت ایران از طریق با خاک یکسان کردن کشورهای همسایه نیست. امنیت ایران و سایر کشورهای منطقه تنها به اتکای خود آنان، بدون حضور بیگانگان و از طریق پیمان های که تجاوزگری را مهار کند، دخالت در امور کشورهای دیگر را ممنوع سازد، به کشورهای بزرگ اجازه ندهد

بحران خلیج و به ویژه وقوع جنگ فاجعه آمیز، صف بندی نسبتا روشنی میان نیروهای مدافع صلح، انسانیت و ترقی با مدافعین جنگ و تجاوزگری به وجود آورده است. طولانی شدن جنگ این صف بندی را آشکارتر ساخته و آشکارتر نیز می سازد. این جنگ تفاوت مواضع و انشقاق در اپوزیسیون جمهوری اسلامی در کشور ما را نیز با صراحت کامل آشکار ساخت و هواداران سلطنت را رودر روی نیروهای ملی و دموکرات کشور قرار داد. سلطنت طلبان یگانه

نیروی سیاسی ایران بوده اند که جانب جنگ و امریکا را گرفتند و یکبار دیگر وابستگی خود به سیاست دولت امریکا را هیان ساختند. با توجه به مواضع آنان در قبال این جنگ می توان نسبت به هیار واقعی دموکراتیسم و ملی گرایی این نیرو نیز قضاوت کرد. این جنگ نشان داد که تحول در این نیرو اساسا از هرصه حرف بیرون نرفته است و این نیرو همان نیرویی است که یکبار ارتش ایران را در جنگی متجاوزکارانه علیه خلق طغافر درگیر ساخت و اکنون بار دیگر فرصتی بدست آورده است تا روحیه تجاوزگری خود را با توجیه تجاوز و قتل عام مردم در جنگی تازه به نمایش گذارد.

در جریان این جنگ مواضع همومی سلطنت طلبان متکی است بر:

۱- وابستگی بی قید و شرط به سیاست دولت امریکا و دفاع از این سیاست به عنوان وظیفه ای ثابت. سلطنت طلبان در دفاع از سیاست دولت امریکا جزو راست ترین و محافظه کارترین نیروها در سطح جهان هستند. آنها از طریق نشریات خود (بطور مثال کیهان لندن) بطور مطلق به توجیه سیاست امریکا و تجاوزگری آن پس از شروع جنگ پرداخته اند. و در قبال هر طرح صلح با جدیت از راه حل نظامی دفاع می کنند. سلطنت طلبان این دفاع بی قید و شرط از امریکا را به بهانه دفاع از اجزای مصوبات سازمان ملل و "جامعه جهانی" انجام می دهند. یعنی همان موضعی که دولت امریکا اتخاذ کرده است. اما خود آنان نیز خوب می دانند که "جامعه جهانی" مورد نظر، تنها نام مستعاری است که دولت امریکا در پس آن، اکنون به بیرحمانه ترین جنایات دست می زند.

۲- سلطنت طلبان در قبال کشتار وحشیانه مردم عراق و انهدام این کشور توسط امریکا و انگلستان، سیاست دفاع از متجاوزین را پیش کرده اند. کیهان سلطنت طلب به عنوان همدمه ترین بیانگر مواضع این نیرو، در هر کجا که توانسته است به توجیه این جنایات برخاسته و کلمه به کلمه دروغ های ژنرال های امریکایی نسبت به "جنگ تمیز" را تکرار می کند و اکنون که دیگر نمی شود شمار عظیم قربانیان این جنگ را منکر شد، به توجیه آنها برخاسته است. این نشریه در مقاله ای به نام "جهان امروز و جهان فردا" نوشته هوشنگ وزیرری، ضمن انتقاد به وزیر دفاع پیشین فرانسه که گفته است این جنگ از هدف های نخستین خود فراتر رفته و از رهایی کویت به نابودی زیر بنای نظامی و اقتصادی عراق انجامیده است، چنین استدلال می کند: "ولی یک وزیر دفاع بیگمان این را خوب می داند که همه جنگ ها از هدف یا هدف های نخستین خود فراتر می روند." "تصادف جنگ" امری است که شاید هیچ یک از طرف های درگیر خواهان آن نباشند، لیکن جنگ نیز مانند بسیاری رویدادهای دیگر "منطق" خاص خود را دارد که سهم اراده افراد در آن چندان زیاد نیست که در آفاق کار مینماید" (کیهان لندن - ۲۵ بهمن)

۳- سلطنت طلبان نسبت به جنبش عظیم صلح که در سرتاسر جهان به وجود آمده است، کینه دارند و با آن دشمنی میکنند. هواداران آنان جزو کسانی بوده اند که علیه جنبش صلح مبارزه می کنند و در بسیاری جاها در تظاهرات به نفع جنگ و امریکا شرکت کرده اند. نشریات آنان، نسبت به مبارزات صلح طلبانه سکوت کرده اند و "بطور دمکراتیک" این ج.ش. عظیم و گسترده را سانسور کرده اند.

سانسور، آن هم سانسور جنبش صلح، آن هم در اروپا و امریکای یعنی جایی که نشریات

سلطنت طلب منتشر می شوند. تنها سنگ روی یخ شدن است. این سانسور قبل از اینکه تلاشی باشد برای نا آگاه نگاه داشتن خوانندگان این نشریات، یک موضع گیری سیاسی و اعلام دشمنی با جنبش صلح است.

۴- نشریات همدمه سلطنت طلب، سانسور خبری شدیدی را که ستادهای جنگی قرب در مورد اخبار جنگ اعمال می کنند، با شغف پذیرفته اند و حتی اشاره ای اعتراضی نیز به وجود این سانسور نکرده اند، چه رسد به مقابله با آن. این سکوت توأم با تایید و رضایت در شرایطی است که حتی دست راستی ترین نشریات اروپایی و امریکایی نیز به اعتراض علیه آن برخاسته اند. همین یک واقعت کافی است تا مشت جماعتی که داعیه دموکراسی و دفاع از حقوق مطبوعات دارند را باز کند.

مناسبات بین تشکیلات کارگری و کارفرمایان را در جهت تامین زمینه مناسب برای استخدام افراد معلول و ناتوان معلولی سازد.

میتوان به موارد بالا برخی اقدامات ضروری دیگر را برای زندگی بهتر معلولین جامعه ما افزود، ولی واقعت این است که از اقتصاد بحرانی و بیمار کشور و رژیم جمهوری اسلامی که اندیشه های قرون وسطایی رانمهای هم عمل آن است، انجام

همه آنچه که در فوق آمده، بلکه تحقق بخشی از آنها هم که مترساخته است. پدیده معلولین از بار انسانی نیرومندی برخوردار است و مواجهه با آن مستلزم انسان گرایی است. و این چیزی نیست که تا امروز نمودی از آن در میان فقهای حاکم مشهود باشد. با وجود همه اینها باید با پیگیری و تلاش و مبارزه رژیم را مجبور به تحقق موارد مهم مطالبات فوق واداشت.

برای تامین آنچه که در بالا آمد ضروریست که دگرگونی اساسی در خط مشی و برنامه دولت در اختصاص بودجه کافی برای آموزش، توانبخشی و اشتغال معلولین بوجود آید. دولت باید در این راه از جمله به اقدامات زیر نیز مبادرت ورزد.

تجهیزات آموزش فنی و کاری برای معلولین را توسعه و افزایش دهد.

از افراد ناتوان برای مشارکت در کارهای تولیدی و در بازار آزاد با ایجاد فرصتهای مناسب و یگسان با دیگران حمایت بعمل آورد.

برای سرمایه گذاریهای کوچک فردی یا دسته جمعی وامهای کافی در اختیار معلولین بگذارد.

در برخی مشاغل در خور معلولین سمیه از پیش تعیین شده ای منظور نماید.

کارگران معلول و ناتوان را از کمک های ویژه فنی و مالی برخوردار سازد.

بقیه از صمحه ۸

معلولین

شوند و در خانه بنشینند و تنها احساسات "دلسوزانه" دیگران را پذیرا شوند.

یک فرد معلول چون دیگران حق دارد که "از مسکن مناسب برخوردار باشد، تغذیه کافی داشته باشد. تاهل اختیار کند و زندگی خانوادگی داشته باشد. به مدرسه برود و با امکانات ویژه آموزش ببیند و از فرصت مناسب برای پرورش جسم و روح برخوردار باشد. در اوقات فراغت در فعالیتهای فرهنگی و اجتماعی مشارکت کند. از خدمات همومی کشور مثل هر شهروند دیگری استفاده کند. در انجمن ها و مجامع عضویت یابد و تشکل خود را سازمان دهد و یا در آن عضو شود. از فرصت های اقتصادی و مالی همچون دیگران برخوردار گردد و در امور سیاسی کشور مثل سایرین مشارکت و ورزد و حق انتخاب کردن و انتخاب شدن داشته باشد."

خبرها و نظرها

طرح برنامه حزب توده ایران

نشریه نامه مردم طرح برنامه و اساسنامه‌ای جهت اظهار نظر ارائه داده است. در زیر بخش‌هایی از طرح برنامه مزبور ارجح می‌کنیم.

در پیش‌گفتار این طرح برنامه منجمله آمده است: «یکی از رویدادهای مهم در جهان امروز، فروپاشی سیستم جهانی سوسیالیسم» و آنچه «سوسیالیسم واقعا موجود» نامیده می‌شده است، گذار کشورهای سابق سوسیالیستی به سیستم اقتصاد بازار و یا مناسبات بازاری یعنی نظام سرمایه‌داری دلیل بارز شکست قطعی مدل سوسیالیسم ساخته و پرداخته استالین متکی بر سیستم فرماندهی - اداری، اقتصاد متمرکز تعطیل آزادی و دموکراسی و رواج دگماتیسم است.

به نظر حزب توده ایران، اندیشه و آرمان سوسیالیسم در مفهوم عام شکست ناپذیر است. این آرمان خیلی پیش از طرح علمی آن از جانب بنیان مارکسیسم وجود داشت. تا زمانی که ناهدالتی‌ها وجود دارند، سوسیالیسم به معنای دموکراسی، همبستگی برادری و عدالت اجتماعی توجه میلیون‌ها انسان را جلب کرده و خواهد کرد»

در بخش سیاست داخلی منجمله آمده است:

«حزب توده ایران، رشد آزاداندیشی، تظاهر ابتکار فردی شهروندان، استقرار انواع مناسبات اجتماعی و انسانی (هومانستی) و همبستگی و همدردی میان انسان‌ها را در مرکز ثقل اهداف خود قرار می‌دهد.

حزب توده ایران حقوق دموکراتیک انسان‌ها و دستیابی به عدالت اجتماعی را به عنوان دو عنصر اصلی ارزیابی خصلت جامعه می‌شناسد و هر گونه برخورد ذهنی‌گرایانه به رویدادها و پدیده‌ها و آرایش نیروهای سیاسی در جامعه را قویاردمی‌کند.

حزب توده ایران در این مرحله از مبارزه به منافع همه خلقی، یعنی خواست‌های دموکراتیک عام ارجحیت قائل است و می‌کوشد تا به چپ‌روی در سیاست که خواه ناخواه به اشتباه منجر خواهد شد، راه نهد. از این نظر یادآوری اشتباه حزب در برنامه ضرور است.

حزب توده ایران طی نیم قرن حیات سیاسی خود مرتکب اشتباهات و در مواردی اشتباهات بزرگی شده است. اشتباهات سیاسی و سازمانی حزب بویژه در فاصله زمانی پس از انقلاب بهمین ۱۳۵۵ تا یورش به حزب بسیار چشمگیر بوده است و باید مورد بررسی همه جانبه و عمیق بر اساس اسناد و مدارک قرار گیرد. سند ارائه شده به کنفرانس ملی در این زمینه لازم بود ولی کافی نیست.

مسلم است که تاریخ رانمی‌توان از نوساخت، اما تحلیل علمی و بی‌فرضانه گذشته برای بهره‌گیری از آن برای آینده ضرورت حیاتی دارد. از این دید، حزب مغولاتی از قبیل رژیم پهلوی و پرولتاریا، دیکتاتوری پرولتاریا، انقلاب دموکراتیک خلق، راه رشد سرمایه‌داری و هر مقوله مخالف با قانونمندی رشد جامعه را رد می‌کند.

حزب توده ایران ایجاد سازمان مخفی در دوران کار هلنی و قانونی حزب با هر شکل و مضمونی را مطرود می‌داند. این یکی از اشتباهات بزرگ حزب در گذشته بود. حزب ما اعلام می‌دارد که فعالیت حزب، در ایران آزاد و مستقل و دموکراتیک کاملاً هلنی خواهد بود و اعمال آن از طریق مطبوعات در معرض تضایق هم قرار داده خواهد شد.

از این رو حزب توده ایران:

نظر نادرست شناسایی مارکسیسم به مثابه مجموعه‌ای از نسخه‌های از پیش آماده شده و رهنمودهای خشک و جامد را رد می‌کند و با هر گونه الگو برداری مخالف است و از همه اندیشه‌های اجتماعی - تئوریک مترقی معاصر استفاده خواهد کرد.

از اشکال گوناگون اصلاحات اجتماعی - اقتصادی شربخش برای برون رفت از بحران ساختاری و تأمین رفاه توده‌های محروم صرف نظر از مجریان آن دفاع می‌کند.

مبارزه در راه آزادی و دموکراسی، صلح و عدالت اجتماعی و طرد رژیم ولایت فقیه رایگانه راه معقول و منطقی در شرایط ایران می‌داند.

دستیابی به دموکراسی را هدف عمده و شرط اصلی ایجاد جو فعال و سالم برای تکامل جامعه می‌شمارد و خواهان چنان شکلی از آن است که دموکراسی پارلمانی و اقتصادی را بخودگردانی شهرها و استان‌ها بپیوندد.

به اصل طرد ولایت فقیه به مثابه هسته مرکزی ایدئولوژیک - سیاسی حاکمیت کنونی اهمیت ویژه‌ای قائل است. رسیدن به این هدف مستلزم تحول ساختاری در حاکمیت، از طریق ایجاد یک حکومت دموکراتیک متکی بر اراده واقعی مردم و تدوین قانون اساسی نوین با مضمون نفی حکومت تئوکراتیک، استبدادی و نیز جدایی دین از سیاست است.

با توجه به کثیرالملمه بودن ایران شکل حکومتی جمهوری فدرال را ارجح می‌شمارد و در این راه مبارزه می‌کند.

مخالف هرگونه تظاهر ملی‌گرایی و شوینیسم عظمت طلبانه است و برای حفظ تمامیت ارضی کشور در جهان پر تلاطمی که احساسات ملی در سراسر آن اوج می‌گیرد معتقد به دادن حق تشکیل مجلس و دولت ملی به خلق‌های ساکن ایران در محدوده جمهوری فدرال است.

در بخش مربوط به برنامه رشد اجتماعی اقتصادی منجمله آمده است:

«حزب توده ایران، طرفدار بخش دولتی دموکراتیک است. این بخش باید علاوه بر رشته‌های استراتژیک، فقط در صنایع کلیدی سرمایه‌بر که بخش خصوصی حاضر به سرمایه‌گذاری در آنها نیست فعالیت کند.

مخالف انحصار مالکیت دولتی یا رشد بی‌کنترل آن است.

در همین مخالفت با افزایش نامحدود قدرت اقتصادی دولت، مخالف حاکمیت بخش خصوصی سرمایه‌داری بر اقتصاد نیز هست.

پیش‌نویس برنامه جدید

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

مجلس موسسان متکی بر انقلاب که برای آزادانه تمام مردم دعوت شود و حکومت را به اکثریت جمعیت کشور منتقل کند نخستین تجلی آزادی عمومی و بهمین دلیل نخستین سنگ بنای دموکراسی خواهد بود.

دموکراسی یعنی حکومت اکثریت مردم در صورتی می‌تواند برقرار شود که همه شهروندان کشور بیکناس و بدون استثنا از آزادیهای سیاسی کامل برخوردار شوند... و این جز با درهم شکستن ماشین دولتی سرمایه‌داری، یعنی همه دستگاه‌های نظامی، امنیتی و انتظامی که برای سرکوب اکثریت و مطیع نگاهداشتن آن بوجود آمده‌اند و همه دستگاه‌های اداری که برای دور نگه داشتن اکثریت زحمتکش از قدرت سیاسی ایجاد شده‌اند و ایجاد نهادهای دولتی متناسب با اصل حاکمیت اکثریت و خود حکومتی مردم به جای آنها، امکان پذیر نیست.

سوسیالیسم فقط بر پایه همین دموکراسی واقعی یعنی همین خود حکومتی مردم و فرمانروایی اکثریت استوار شده بر اقلیت بهره‌کش می‌تواند شکل بگیرد و این دموکراسی کامل از تعریف سوسیالیسم و از هدف‌های آن جدائی ناپذیر است و بدون آن پیروزی هدف‌های اجتماعی و اقتصادی سوسیالیسم ناممکن می‌شود.

برای علاج بیماری مزمن و آشفتگی بحرانی اقتصاد ایران، برای تحکیم پایه‌های دموکراسی و حاکمیت مردم و برای نجات مردم از بی‌عدالتی و فلاکت اقتصادی راهی جز انتقال از سرمایه‌داری به سوسیالیسم وجود ندارد این انتقال باید با انعطاف‌های لازم برای افزایش باروری تولید، افزایش رفاه و بالا رفتن قدرت اقتصادی کشور و امکان پایداری آن در مقابل خرابکاری‌های بازار بین المللی سرمایه و فقط با تکیه بر اراده آزاد اکثریت مردم صورت بگیرد. در دوره انتقال فقط لازمست بخش‌های بزرگ و حیاتی اقتصاد کشور به مالکیت اجتماعی منتقل شود و مالکیت‌های کوچک تحت هیچ شرایطی نباید ملغی شود.

مالکیت اجتماعی باید اشکال متنوع دولتی، فیدراتی، تعاونی کشوری و منطقه‌ای داشته باشد انتقال به مالکیت اجتماعی و برنامه‌ریزی و هدایت تولید به معنی از بین رفتن بازار نیست.

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) در آخرین شماره نشریه خود پیش‌نویس برنامه جدید این سازمان را که برای ارائه به کنگره آماده گردیده چاپ نموده است.

کمیسیون تدوین کننده این برنامه در توضیحات خود نوشته است:

«پیش‌نویس کنونی در مقایسه با پیش‌نویس سابق برنامه (که در فروردین ۶۰ انتشار یافت) در چهار حوزه مهم تغییر کرده است. اول ارزیابی سابق از شرایط بین المللی و تعادل قوا در مقیاس جهانی کنار گذاشته شده که با توجه به فروپاشی سوسیالیسم موجود و پایان یافتن جنگ سرد کاملاً طبیعی است. ثانیاً پاره‌های شعارها و فرمول‌های سابق که در دوره جدید فقط می‌توانند مانع تحریک مبارزه توده‌ای کمونیست‌ها در جهت انقلاب سوسیالیستی باشد کنار گذاشته شده‌اند.

محتمرترین این فرمول‌های حذف شده عبارتند از اصطلاح دیکتاتوری پرولتاریا که به جای آن فرمول دست‌یابی طبقه کارگر به حاکمیت سیاسی گذاشته شده است. اصطلاح مارکسیسم لنینیسم که به منظور از بین بردن هر نوع برداشت شریعت‌مآبانه از برنامه سیاسی سازمان حذف گردیده و فقط به ذکر خصلت کمونیستی سازمان اکتفا شده است. اصطلاح جمهوری دموکراتیک خلق که اساساً در رابطه با تجربه سوسیالیسم موجود شکل گرفته بود و اینک با شکست کامل این تجربه بی‌اعتبار شده، حذف گردیده است. ثالثاً سعی شده است حتی‌الامکان از آوردن فرمولهایی که بیانگر طرح‌های اجرایی هستند اجتناب شود و فقط به ذکر مسائلی پرداخته شود که خصلت اصولی دارند. رابعاً بر دموکراسی به‌عنوان اولویت اصلی سوسیالیسم ارائه شده است.»

در این طرح برنامه در رابطه با مسائل ایران منجمله آمده است:

«رژیم جمهوری اسلامی مقدمترین مانع در راه هرگونه تحول در ایران در جهت حقوق بشر، آزادیهای سیاسی دموکراسی و رهایی مردم از چنگان طبقه سرمایه‌دار است. این مانع فقط از طریق سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی توسط یک انقلاب توده‌ای می‌تواند از پیش‌پا بر داشته شود.

گیرد، نیروهای هراتی از کویت خارج شوند. صدام حسین تاکید داشت که خاندان آل صباح نباید به کویت باز گردد. چند ساعت پس از آنکه ملک حسین بغداد را ترک کرد، صدام حسین با انتشار اعلامیه‌ای متذکر شد که نیروهای هراتی روز ۵ اوت کویت را ترک خواهند کرد.

همان روز وقایع دیگری نیز جریان یافت. جورج بوش پس از مذاکره با مارگارت تاچر، با ملک نجد پادشاه عربستان سعودی تماس تلفنی گرفت و وی را نسبت به حمایت امریکا از آن کشور مطمئن ساخت. ملک نجد گفت: خیال نمی‌کنم خطری عربستان سعودی را تهدید کند. بوش در یک تماس تلفنی مجدد کوشش بسیار کرد تا پادشاه عربستان سعودی را متقاعد سازد که صدام حسین قصد حمله به کشور او را دارد. نجد با اشاره به گردهمایی ۴ اوت و مذاکرات نتیجه بخش پادشاه اردن با صدام حسین، نسبت به صحت نظریه بوش ابراز تردید کرد. اما جورج بوش با اصرار از ملک نجد خواست تا سریع و صریح به او بگوید در صورت تیکه هرات قصد حمله به عربستان سعودی را داشته باشد. آیا پادشاه عربستان با حضور نیروهای امریکایی در این کشور موافقت می‌کند یا خیر؟ ملک نجد پس از چند دقیقه‌ای تردید جواب «آری» داد.

در همین روز جورج بوش در جلسه شورای عالی امنیت ملی امریکا شرکت کرد و احتمال دخالت نظامی امریکا در بحران را مورد بررسی قرار داد. سپس جان کلی معاون وزارت خارجه امریکا در پیامی خوشنودآمیز به وزارت خارجه مصر تهدید کرد که اگر کشورهای عرب در این موقع حساس از خود عکس‌العملی نشان ندهند و در برابر تجاوز هرات بطور جدی موضع نگیرند، دیگر نباید روی کمک‌های نظامی امریکا حساب کنند. در این پیام گفته شده بود که غرب به وظیفه خود در قبال کویت عمل خواهد کرد.

ساعت یک گفتگو با رئیس‌جمهور هرات در ۲ ساعت بعد از ظهر روز سوم اوت وارد امان شد و بلافاصله با حسنی مبارک تماس گرفت تا او را در جریان توافق‌های بغداد قرار دهد، اما پس از چند دقیقه گفتگو احساس کرد که لحن حسنی مبارک آشکاراً تغییر کرده است. یکساعت بعد وزارت خارجه مصر طی اعلامیه‌ای حمله هرات به کویت را بشدت محکوم

کرد. ملک حسین به برادرش گفت: توطئه بزرگی در حال اجراء است که پاره‌ای از کشورهای عربی تلاش‌های مرااتش برآب سازند و از تشکیل جلسه سران عرب در روز ۴ اوت معاضعت بعمل آورند.

مصر همانروز در حالیکه هیئت نمایندگی هراتی به دیدار ملک نجد رفته بود، امریکا اعلام کرد که ماهواره‌های این کشور استقرار نیروهای هراتی را در مرز کویت و عربستان گزارش داده‌اند. انتشار این خبر بدین منظور بود که ملاقات ۴ اوت برگزار نشود و برگزار نگردد و نیروهای هراتی نیز خاک کویت را ترک نکنند.

در جلسه رسمی سران کشورهای عربی که در ۱۰ اوت بریاست حسنی مبارک و با حضور ۱۴ پادشاه و رئیس کشور و ۵ هیئت نمایندگی و یاسر عرفات تشکیل شد، حسنی مبارک خواستار خروج نیروهای هراتی از کویت و بازگشت امیر کویت گردید. پس از او یاسر عرفات سخنرانی نمود و پیشنهاد کرد که ۵ کشور اردن، یمن، الجزایر، مصر و فلسطین یک کمیته میانجیگری تشکیل بدهند و هازم هراتی شوند. اما در همان هنگام که عرفات مشغول سخنرانی بود قطعنامه‌ای در ۷ ماده برای امضاء جلوی شرکت کنندگان گذاشته شد که خیلی‌ها اثر دست امریکایی‌ها را در آن می‌دیدند. در این قطعنامه از تحریم اقتصادی شورای امنیت حمایت می‌شد، الحاق کویت به عراق محکوم شناخته شده و تشکیل یک نیروی چند ملیتی برای دفاع از خاک عربستان جایز شمرده می‌شد. کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، مصر، سوریه، مغرب و عربستان سعودی بدون تامل این قطعنامه را امضاء کردند. ۱۲ کشور از ۲۱ کشور عضو اتحادیه به آن رای مثبت دادند. عراق، الجزایر و لیبی رای منفی دادند. یمن محتنع بود و اردن در رای‌گیری شرکت نکرد. بین کشورهای عربی برای اتخاذ موضع واحد شکاف افتاد و امکان حل مسالمت‌آمیز بحران از طریق آنان از بین رفت.

مسیر حوادث به همان سمتی کشانده شد که امریکا می‌خواست. در ۱۶ ژانویه آتش جنگ شعله ور شد.

(با استفاده از ماهنامه روزگار نو، دی ۶۹)

فرستی که از دست رفت

پی‌یر سالیانجر سخنگوی دوران ریاست جمهوری جان کندی، به‌رامی در یک لوران روزنامه‌نگار فرانسوی، کتابی به نام «جنگ خلیج» انتشار داده است. در این کتاب که با استفاده از اسناد و مدارک محرمانه اطلاعاتی امریکا تهیه شده، ماجراهای پشت پرده اشغال کویت و حوادثی که سرانجام به جنگ در خلیج فارس منجر گردید، مورد بررسی قرار گرفته است. این کتاب نشان می‌دهد که چگونه دولت امریکا، تمام تلاشهای دولتهای عربی برای حل مسالمت‌آمیز بحران ناشی از اشغال کویت را خنثی ساخت و بسیاری از آنها را بدنیال خود به ورطه این جنگ هولناک کشاند. خلاصه بخشهایی از این کتاب را که مربوط به نخستین روزهای پس از اشغال کویت است در زیر می‌خوانید:

دو ساعت و نیم پس از اینکه دولت عراق اعلام کرد کویت را به اشغال خود درآورده است، در ساعت ۹ صبح روز دوم اوت ۱۹۵۹، جورج بوش از طریق تلخ با حسنی مبارک رئیس‌جمهور مصر تماس گرفت. مبارک که ساعتی قبل از آن با ملک حسین پادشاه اردن دیدار کرده بود به رئیس‌جمهور امریکا گفت پادشاه اردن اطمینان داده است که می‌تواند صدام حسین را وادار به خروج از کویت سازد. مبارک از قول ملک حسین

گفت که بایک راه حل منطقی می‌توان صدام حسین را آرام کرد، به شرط آنکه اتحادیه عرب حمله هرات را محکوم نکند و هیچ کشوری تا قبل از تشکیل جلسه سران عرب در روز ۴ اوت به اقدام تخاصم‌آمیزی علیه هرات دست نزند. جورج بوش سپس با ملک حسین نیز به مدت ۲۵ دقیقه مذاکره تلفنی کرد و به او قول داد که ابتکار عمل برای حل مسئله را در اختیار وی بگذارد.

ملک حسین از طریق حسنی مبارک از سران کشورهای عربی خواست تا مدت ۴۸ ساعت بیطرفی خود را حفظ کنند تا او بتواند صدام حسین را به خروج از کویت راضی سازد. این درخواست مورد موافقت ملک نجد نیز قرار گرفت و در نتیجه گردهمایی نمایندگان اتحادیه عرب در قاهره در همان شب، هلیر قم اصرار کویت از محکومیت هرات خودداری ورزید.

بقیه از صدمه ۱ - جنگ علیه محیط زیست

امکان بهره‌گیری مردم سواحل جنوبی ایران از آبهای خلیج دست کم برای چندگامی منتفی خواهد شد.

یکی از عوامل منفی و بازدارنده در امر پاکسازی نفت از آبهای خلیج فارس، کم‌عمقی آن است. این خلیج با عمقی معادل ۱۵ تا ۱۵ متر و یا حداکثر ۱۰۰ متر یکی از کم ژرفاترین جریانهایی آبی بزرگ جهان است و همین امر سبب میشود که نفت آلاینده به آهستگی و سختی رقیق شده و در نتیجه با غلظت بالای خورد، در محل آلودگی تأثیرات و پیامدهای فاجعه‌باری را دامن زند. برای مبارزه با آلودگی آبها و جلوگیری از گسترش آن از روش‌های گوناگونی بهره گرفته میشود که عبارتند از روش‌های مکانیکی و روش‌های شیمیایی و روش‌های مکانیکی.

مانع‌گذاری: در آن روش گرداگرد آلودگی موانعی ایجاد می‌کنند از گسترش آن جلوگیری امکان کاربرد چنین روشی تنهادر صورت اوضاع جوی آرام امکانپذیر است.

پالایش آب آلوده: در آن روش کشتی‌های مخصوصی آبهای آلوده شده را مکیده و در دستگاه‌های گوناگونی نفت را از آن جدا میکنند. آب پالایش یافته دوباره به دریا بازگردانده میشود و نفت به درون کشتی‌های نفتی انتقال می‌یابد. کار کشتی‌های مکیده تنها اگر قدرت باد از ۳۰ کیلومتر در ساعت بالاتر نباشد، موفقیت آمیز خواهد بود.

آتش زدن نفت شناور بر سطح آب: که تنها در اولین روزهای آلودگی امکانپذیر است و در شرایط هوای نامساعد خطرناک میباشد. این شیوه دود بسیار زیادی را وارد هوا کرده و پس ماند نفت نیز بنوبه خود آب را می‌آلاید.

روش شیمیایی: در این روش با بکارگیری مواد شیمیایی

پراکنده ساز (Dispersator) لایه نفت موجود بر سطح آب از هم پاشیده شده و به لکه‌های کوچک بدل میشود. مواد پراکنده ساز پس در آب حل شده و ته نشین میشوند. پس از آن جانداران

کوچکی (Microorganisms) مرسوم به "نفت خورها" را بر سطح آب رها می‌کنند تا در درازمدت نفت را برچیده و در خود هضم کنند. زیانهای این روش از یکسویاتی مانند پس مانده‌های شیمیایی در آب واز سوی دیگر مصرف زیاد اکسیژن توسط "نفت خورها" است، به گونه‌ای که حیات سایر جانداران دریایی از کمبود اکسیژن به خطر می‌افتد.

سودمندی و شربخشی همه شیوه‌های یادشده بستگی به آن دارد که تا آلودگی کهنه‌نشده، به کار گرفته شوند. به گفته دیگر هر چه سفره نفتی کهنه‌تر شود، مبارزه با آن دشوارتر شده و از میزان کارایی و شربخشی روش‌های فوق کاسته میشود. نیروهای چندملیتی به رقم انباشتن حجم عظیمی مهمات و تسلیحات در منطقه، از کمترین امکانی برای مواجه با چنین فاجعه‌ای برخوردار نبوده‌اند. ارتش آمریکا پیشرفته‌ترین هواپیماها، تانکها و سلاحهای ضد هوایی خود را برای ویرانگری و کشتار مردم عراق به منطقه آورده، لیکن برای مقابله با

چنین آلودگی‌هایی یک کشتی مکنده کوچک هم در خلیج فارس مستقر نکرده‌است. در واقع دیکتاتور عراق و جنگ‌افروزان کاخ سفید به تنها چیزی که نمی‌اندیشند، همانا جان مردم و محیط زیست منطقه است. تنها سه روز پس از فاجعه، یک کشتی مکنده نوژی وارد عمل شده و با ظرفیتی محدود در حال برچیدن آلودگی آیفاجعه بزرگتری در راه است؟

اگر جنگ ادامه یابد، آلودگی خلیج فارس احتمالاً آخرین فاجعه برای محیط زیست نخواهد بود. عراق هم‌اکنون علاوه بر مین گذاری ۵۸۰ چاه نفت کویت، در مرزهای این کشور با هرستان در مسافتی به طول ۲۶۰ کیلومتر و عرض ۲۰ متر گودالهای متعددی ایجاد کرده و آنها را از نفت انباشته است. ژنرالهای عراقی اعلام کرده‌اند که در صورت حمله زمینی نیروهای آمریکا، گودالهای نفتی را به آتش کشیده و اگر وادار به خروج از کویت شوند، همه چاههای نفت را منجمد خواهند کرد. جان کوس، از کارشناسان برجسته محیط زیست و مشاوران با سابقه شرکتها نفتی در خلیج فارس که در همین حال از فعالان جنبش صلح انگلستان نیز به شمار می‌رود، اخیراً نتایج پژوهشهای خود در باره پیامدهای چنین واقعه‌ای را منتشر کرده است. به باور وی اگر تمدن عراق به واقعیت بپیوندد، تأثیرات آن بر محیط زیست از خود جنگ قربانیان بیشتری خواهد گرفت. میلیونها انسان بویژه در آسیا با کمبود قلات و مالا با گر سنگی روبرو شده و یا بر اثر نابودی بخشی از لایه اوزون جو به سرطان دچار خواهند شد. کوس در بررسیها و پژوهشهای خویش از تجارت مربوط به جنگل‌سوزیهای بزرگ و فوران آتشفشانها و نیز از پیش‌بینی‌ها و ارزیابیهای گوناگون درباره پیامدهای یک جنگ اتمی بهره گرفته است. در میانه دهه هشتاد آخرین بار به اوج رسید، انتشار پژوهشهای مربوط به تأثیرات فاجعه‌بار جنگ اتمی بر محیط زیست، جهانیان را در بیم و هراس فرور برد. بر پایه این پژوهشها، در صورت بروز یک جنگ اتمی سامانه اکتولوژیک گرداگرد زمین به سکتة دچار شده و هیچگاه به حالت بنجار خود باز نخواهد گشت.

دود و فبار ناشی از فعل و انفعالات آتشفگون، در لایه‌های مختلف جو پراکنده شده، و اتمسفر زمین را کم و بیش ویران خواهد کرد. تاریکی همه جا را فراگرفته و سرما بر زمین چیره میشود. در چنین حالتی گیاهان از پا درآمده و پایان زندگی انسان فرا می‌رسد. این همان وضعیتی است که "زمستان اتمی" خوانده میشود.

اما "زمستان اتمی" تنها فرضیه ناشی از محاسبات کامپیوتری نیست. در دهه‌ها وسده‌های پیشین در نتیجه جنگل‌سوزیهای بزرگ و یا فوران آتشفشانها، در بخش‌هایی از زمین و وضعیت‌هایی پدید آمده‌اند که بی‌شابهت به "زمستان اتمی" نبوده‌اند. برای نمونه در جولای ۹۸۱۶ یعنی در اوج تابستان، لایه ضخیمی از برف و یخ ایالت‌های نیواگگلند، نیویورک و پسیپوانیای آمریکا را فراپوشاند سر ما به حدی

رسید که کل قله ایالات متحده در آن سال فاسد و نابود شد. زمین‌ساز فلور زستان در اوج تابستان فوران عظیم آتشفشان "مونت تامبور" در شرق هند بود. در نتیجه این فوران، چندین ماه حجم عظیمی از دود و خاکستر گرداگرد زمین را فرا گرفته که هر چه بیشتر به سوی نیم‌کره شمالی زمین رفته و در آنجا متراکم میشدند.

آتش‌سوزیهای بزرگ جنگلی نیز میتوانستند در مقیاس منطقه‌ای پیامدهای همتندی داشته باشند. در سال ۱۹۸۷ بر اثر بروز آتش‌سوزی در جنگلهای جنوب اورگون و شمال کالیفرنیا، درجه حرارت این ایالات تا ۳۰ درجه سانتیگراد افزایش یافت.

بر پایه بررسیهای کوس اگر گودالها و چاه‌های نفت به آتش کشیده شوند، مقدار عظیمی از دود و بخار در آسمان پراکنده شده و منطقه دایره‌واری با پیرامون ۱۶۰۰ کیلومتر را آلوده خواهد کرد. در نتیجه چنین وضعیتی به میزان اکسیدکربن جو ۵٪ افزوده خواهد شد. به گفته دقیق‌تر، این آتش‌سوزی میتواند نضای طبیعی و حساس منطقه خلیج فارس را ویران و درهم ریخته کرده و فصول، ایام و جریان بادها و بارانهای موسمی را یکسره دگرگون و ناساز کند. بادها و بارانهای موسمی در آسیا برای کشت و پرورش غله عاملی مهم و حیاتی بشمار می‌روند و چنانکه میدانیم، غله خوراک عمده یک میلیارد انسان آن منطقه است و به گفته کوس اگر فاجعه نفتی به وزیدن تنها بخشی از بادهای موسمی هم بیانجامد، شمار مرگ و میر ناشی از کمبود غله از کل جمعیت عراق، کویت و هرستان فزونتر خواهد شد.

اما ابعاد فاجعه در جهاتی دیگر از اینهم فراتر خواهد رفت. دود و فبار ناشی از آتش‌سوزیهای چاههای نفت میتواند ماها آسمان منطقه را جولانگاه خویش ساخته و ماده آلاینده آن به همه لایه‌های جو سرایت کند. ذرات خاکستر و اکسیدازت موجود در بخار نفت از نابود سازان اصلی لایه اوزونی جو به شمار می‌روند. این مواد بر فراز منطقه استوا حفره اوزونی بزرگ ابعادی پدید آورده و راه رسیدن تشعشعات ماورای بنفش به سطح زمین را هموار می‌کنند. نتیجه چنین وضعیتی بروز سرطانهای گوناگون در میان مردم کشورهای عمدتاً فقیر (هند...) منته است. در واقع سلطان درازمدت تخریب و نابودی فلات را تحت الشعاع قرار داده و به اصلی‌ترین عامل کشته انسانها بدل خواهد شد.

نخستین باران پس از آتش‌سوزی گودالها و چاههای نفت، مقدار زیادی اسیدسولفوریک در خود خواهد داشت، زیرا نفت کویت شامل مقدار زیادی گوگرد است. باران اسیدی هر چه خطرش کمتر از موارد یاد شده است، اما باز هم بنوبه خود تأثیرات ناچیزی بر بارآوری زمین و دستگاه تنفسی انسانها برجای خواهد گذاشت. به گفته یک نماینده کنسرن نفتی بریتیش پترولیوم، فروشاندن آتش‌چاه‌های نفت بوسیله کارشناسان ۹ تا ماه به درازا خواهد کشید. جان کوس این برآورد را بسیار خوش‌بینانه میدانند، زیرا از یکسو شمار گروههای کارشناس در جهان اندک است و از سوی دیگر آنها به

یک چاه سوزان تک و تنها، بلکه با تعداد کثیری از چاههای نزدیک به هم مواجه‌اند، که آتش هر کدام میتواند چاه خاموش شده مجاور

را دوباره فراگیرد. از پیامدهای جنگ خلیج فارس هیچکس در امان نخواهد ماند و در این میان آنکه بیشتر از همه زیان

خواهد دید، علاوه بر مردم بی‌پناه عراق، اهالی کشورهای فقیر آسیا و آفریقا میباشند. ح-بعدها

بادوستان مروت با دشمنان مدارا

بقیه از صدمه ۹

ندارند که ملت ایران بعد از گذر از درون همین ائتلاف‌ها و شکست‌ها، به اندازه کافی دچار سرگیجه و افتخاش هستند. هنوز باور ندارند که خطو مرزهایی که در صدسال گذشته شکل گرفته‌اند، خود از عوامل شکست‌ها بوده، دیگر پاسخگوی نیاز جامعه و زمان معاصر نیستند، اعتماد ملت ایران را بر نمی‌انگیزند و در معرض فروریزی قرار گرفته‌اند.

کاش ایشان قبل از اینکه مقاله "توطئه ائتلاف" را در نشریه "ایران آزاد" درج کنند، یکبار فراخوان جبهه ملی ایران در همان شماره را همیقا مورد مطالعه قرار میدادند.

این فراخوان بدرستی تاکید می‌کند که: "دومین واقعیتی که اینگونه سیاستمداران از دیدن آن عاجزند، رابطه میان اتحاد عمل امروزی بمثابه پیش شرط همه موفقیت در ساختمان دموکراسی فردا و ماهیت آن دموکراسی است. زیرا باور کردنی نیست کسانی که امروز در برابر دشمن مشتری‌گی به خونخواری رژیم جمهوری اسلامی و بحران ملی به اهمیت بحران کنونی، حاضر به برداشتن قدمی در جهت گفت و شنود و قبول وجود یکدیگر نیستند، به فرض آنکه فردایی از آنان به تنهایی به قدرت برسد از خود سعه صدر و دموکرات منشی بیشتری نسبت به دیگران نشان دهد."

علیرقم این اندیشه و فراخوان صحیح متأسفانه آقای راسخ، اندیشه و روش کهنه سنتی و مغایر با آن را به بدترین و خشن‌ترین شکل ممکن ارائه کرده‌اند. من گمان ندارم منظور تنظیم کنندگان فراخوان جبهه ملی از "برداشتن قدمی در جهت گفت و شنود و قبول وجود یکدیگر" گفت و شنود هائی نظیر "گفت و شنود" آقای هلی راسخ باشد، چرا که جنبش‌ها بیش از نیم قرن است از این قبیل "گفت و شنودها" بسیار شنیده و دیده‌است. اگر منظور از "برداشتن قدمی در جهت گفت و شنود و قبول وجود یکدیگر" برداشتن قدمی نظیر قدم آقای راسخ باشد، باید مطمئن باشیم که در فرای بقدرت رسیدن صاحبان این "گفت و شنودها"، نشانی از سعه صدر، مدارا با مخالفان و دموکرات منشی آنها وجود نخواهد داشت.

بنظر میرسد آقای راسخ یا مطلع نیستند که در دنیا و در میان نیروهای سیاسی کشور ما چه گذشته و چه می‌گذرد و یا بخاطر حفظ "خطو و مرزها"ی که به متعلق به گذشته‌است، نمی‌خواهد واقعات رو به گسترش و زنده را وی در یکی دو جا، از "چریک‌های اکثریت" و "حزب دموکراتیک مردم ایران" اسم برده و مطالبی در باره آنها نوشته که فقط موجب تعجب و تاسف خوانندگان "نشریه آزاد" میشود.

من برای جلوگیری از هرگونه سوءتفاهم ناچارم همین نوشته آقای هلی راسخ را درج کنم. هلی راسخ می‌نویسد: "... همچنین توده‌ایها و همپالکی‌هایشان چریک‌های اکثریت، اگر پنداشته‌اند با پوسته انداختن و اسم عوض کردن و نام "حزب دموکراتیک مردم ایران" برای خود نهادن چیزی عوض شده است و میلیون و ملت ایران فراموش میکنند. ایشان از چه تماش و ادامه دهندگان کدامین سنت‌اند، اشتباه می‌کنند... شما هم مثل سلطنت طلبان هر نام و هر عنوانی بر خود بگذارید توده‌ای بودید و هستید و خواهید بود. دشمنی با ملت، دشمنی با آزادی... در توبره وراثت شما جادار داتا آنکه خلاف آن در طول زمان به اثبات برسد، آنچنانکه خلیل ملکی و یارانش این را به اثبات رساندند و در کنار ملیون و ار دوگاه مصدق قرار گرفتند."

اولا این را حتی افراد غیرسیاسی ایرانی نیز می‌دانند که سازمان فدائیان خلق ایران "اکثریت" و "حزب دموکراتیک مردم ایران" دو سازمان جداگانه و مستقلی هستند و هر دو وجود دارند. ثانياً فدائیان "اکثریت" قبل از انقلاب، برای آزادی مردم ایران و سرنگونی رژیم دیکتاتوری شاه مبارزه چریکی را در پیش گرفته بودند و بیش از ۱۱ سال است که این مشی را در کرده و کنار گذاشته‌اند. اما علیرقم این واقعات و علیرقم رهنمود فراخوان جبهه ملی مبنی بر "گفت و شنود و قبول وجود یکدیگر"، آقای راسخ واقعیت را تحریف کرده، وجود سازمان فدائیان خلق ایران "اکثریت" را نمی‌پذیرد و با همان برچسب‌ها و رنگ‌های کهنه مسلکی به ستیز برمی‌خیزد.

اگر بینش سنتی ملی‌گرایی در کشور ما، کمی همیق‌تر مورد بررسی قرار گیرد، فاش خواهد شد که

نقطه مزیت مدافعان این بینش، از اینجاست که همه اقشار و طبقات جامعه و نیز سازمان‌ها و احزاب گوناگون و متفاوت و گاه متضاد که هر یک بنحوی به دفاع از منافع آنها برخاسته‌اند، باید به سمت تبدیل شدن به یک ملت و به یک اردوگاه ملی سوق داده شود. این بینش قادر نیست ملت را در کثرت و گوناگونی و تفاوت و حتی تضاد اجزا تشکیل دهنده آن و نیز در کثرت و گوناگونی و تفاوت و حتی تضاد احزاب و سازمان‌های سیاسی همان ملت بپذیرد.

بینش سنتی چپ کشور ما، با پذیرش وجود اقشار و طبقات گوناگون، متفاوت و متضاد، از این نقطه حرکت میکرد که همه آنها در یک طبقه و در منافع آن تحلیل بیبرد، بینش سنتی ملی‌گرایی، از این نقطه حرکت میکرد که همه اقشار و طبقات و منافع آنها را در یک ملت و در منافع ملی تحلیل بیبرد. مدافعان چنین بینشهایی قادر نیستند، وجود رقبا و مخالفان سیاسی خود را تحمل کنند، چرا که هر کدام به نوعی، وجود دیگری را، زاید و مانع بزرگی در برابر حرکت خود می‌دانند. تضادفنی نیست که ملیون سنتی و چپ سنتی علیرقم دفاع از آزادی احزاب، در مدت بیش از نیم قرن نتوانسته‌اند همزیستی دموکراتیک با همدیگر داشته باشند و نیز تضادفنی نیست که آقای هلی راسخ در نوشته خود، هنوز هم برای ملی بودن و آزادی خواه بودن، "اردوگاهی" بجز اردوگاه خودش نمی‌شناسد و دیگر نیروهای سیاسی را با برچسب‌های کهنه مسلکی نظیر "دشمنی با ملت" و "دشمنی با آزادی" مورد حملات کینه‌توزانه قرار می‌دهد. علاوه بر اینها نوشته وی حاوی بی‌دقتی و تناقضات جدی است.

ایشان از یکسو می‌نویسند که: "... شما هم مثل سلطنت طلبان هر نام و هرهنوان بخود بگذارید توده‌ای بوده و هستید و خواهید بود. دشمنی با ملت، دشمنی با آزادی... در توبره وراثت شما جادار داتا" و از سوی دیگر می‌نویسد: "تا آنکه خلاف آن در طول زمان به اثبات برسد، آنچنان که خلیل ملکی..."

اولا این واقعت ندارد که در کشور ما یک اردوگاه برای ملی بودن و آزادی خواه بودن وجود داشت و آن همان اردوگاهی بود که خلیل ملکی و یارانش در آن قرار گرفتند. این را کسی نمی‌پذیرد.

ثانياً من شخصا نمی‌دانم ما "چریک‌های اکثریت" با این توبره "موروثی که برای مادوخته شده است، توبره‌ای که سنگین تر است تاریخ و حجم فعالیت‌مان است، چگونه هم چریک هستیم، هم توده‌ای، هم توده‌ای خواهیم بود و هم مثل خلیل ملکی خلاف آن را به اثبات خواهیم رساند تا صلاحیت و شایستگی پیوستن به اردوگاه مورد نظر آقای راسخ را پیدا کنیم. و بالاخره باور ندارم که خلیل ملکی و یارانش قبل از پیوستن به آن اردوگاه، به "دشمنی با ملت" و "دشمنی با آزادی" مشغول و مشهور بودند تا آنکه در طول زمان خلاف آن را به اثبات رساندند و به افراد آزادبخوا و دوست ملت ایران بدل شدند (همچنانکه باور ندارم که خلیل ملکی و یارانش بعد از جدایی از حزب توده، اعتقاد و باور خود به آزادی و عدالت را از دست دادند و به دشمنان ملت و آزادی بدل شدند. جامعه ما نیاز دارد که همه ارزش‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی خود را از بیخ و بن مورد سؤال قرار دهد و به ارزیابی انتقادی بپردازد.)

با مطالعه مطلب "توطئه ائتلاف" و با مشاهده لحن و شیوه برخورد حاکم بر نوشته، این سؤال جدی مطرح میشود که اگر فرض فردای روزگار، "حاکمیت ملی" مورد نظر آقای راسخ برقرار شود، تکلیف این سازمان فدائیان خلق ایران "اکثریت" و بقول آقای راسخ "چریک‌های اکثریت" و "حزب دموکراتیک مردم ایران" با این "توبره" و "موروثی سنگین که بر دوش دارند چیست؟! اگر مثل خلیل ملکی و یارانش به اردووی مورد نظر آقای راسخ بپیوندند، آیا فاجعه‌ای روی نخواهد داد؟

البته آقای راسخ لطف کرده و از جانب "ملیون و جبهه ملی‌ها و پیروان زنده‌یاد دکتر مصدق بزرگ برای... چپ و راست ایران و هر شخصیت ایرانی و جریان سیاسی دیگر حق مساوی برخوردار از تمام امکانات فعالیت هنری و حقوق و آزادی‌های مدون در ۳۰ ماده حقوق بشر قائل شده‌اند."

فدرالیسم مسئله ایران نیست

ماشالله رزمی

چندی است که بحث فدرالیسم از حالت مجرد خارج شده و به بحث‌های مشخص در میان نیروهای اپوزیسیون ایرانی تبدیل گشته است تا جائیکه این موضوع وارد برنامه‌های سیاسی بعضی از گروهها و احزاب شده از جمله این نیروها می‌توان از جمهوریخواهان ملی ایران (۱)، حزب دموکرات کردستان (اکثریت) (۲) و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) (۳) نام برد.

با اندکی دقت در استدلالهای این جریان متوجه می‌شویم که هر یک از آنها استنباط خاصی از فدرالیسم دارند و جنبه خصوصی از این موضوع را طالب هستند. مثلا جمهوریخواهان ملی ایران فدرالیسم را معادل عدم تمرکز می‌گیرند، حزب دموکرات خودمختاری را از فدرالیسم می‌خواهد. تمرکز قدرت دولتی و حل مسئله ملی را از فدرالیسم انتظار دارد. نظر به اینکه ترویج دکترین فدرالیسم بدون باز کردن جنبه‌های مختلف آن و ندیده گرفتن مسائلی که در پی می‌آورد نه برای ایران و نه برای گروههای ایرانی مفید نخواهد بود لذا ضروری است این بحث بطور جدی باز شود و مدافعین و مخالفین آن نظریات خود را بیان بکنند تا مسئله بطور ریشه‌ای حل شود و حتی الامکان از وجود آمدن مشکل و احمقان بدآموزی سیاسی جلوگیری شود.

در حال حاضر اغلب کسانی که حکومت جمهوری فدرالیسم را برای فردای ایران مطرح میکنند خواهان حفظ تمامیت ارضی ایران و معتقد به حاکمیت مردم بر مردم هستند، لیکن این عده وقتی میخواهند فدرالیسم را تعریف بکنند بجای پرداختن به واقعیت‌های زمخت فدرالیسم ایده‌آلها و آرزوهای خود را بنام فدرالیسم بیان میکنند و حتی آنجا که میخواهند تئوری فدرالیسم را توضیح بدهند همان را میگویند که در قانون انجمنهای ایالتی و ولایتی آمده است و این در واقع تحصیل حاصل است.

اما باید دانست که فدرالیسم چیزی نیست جز شکستن حکومت مرکزی و ایجاد حکومتی محلی مستقل و این امر با خودمختاری فرهنگی ایالات و عدم تمرکز اداری کاملا متفاوت است. اینجاست که باید توجه داشت که مخالفت با رژیم حاکم به مخالفت با ملت و مملکت منجر نشود. از طرف دیگر برای طرفداران فدرالیسم در ایران رابطه دموکراسی با فدرالیسم روشن نیست. اول باید کشوری وجود داشته باشد تا بشود از دموکراسی و حکومت قانون در آن دفاع کرد. فدرالیسم موجودیت کشور واحد را نفی میکند بنابراین صحبت از دموکراسی، عدالت و پیشرفت در کشوری که تمامیت ارضی اش نفی شده معنی ندارد. چگونه ممکن است طرفدار وحدت ملی بود و در عین حال از تفرقه ملی دفاع کرد. واقعیت این است که در ایران هیچ ملتی بر ملت دیگر ستم نکرده بلکه این حکومتی استمگر بوده اند که همواره به ملت ایران ستم روا داشته اند. فدرالیسم نمیتواند مشکلات ملی و قومی ایران را حل کند این مشکلات فقط از راه استقرار حکومت دموکراتیک و لائیک که ناشی از اراده آزاد تمام مردم ایران باشد قابل حل هستند. مردم ایران از ترک، فارس، کرد، بلوچ، عرب، ترکمن و سایرین طی تاریخ پرفراز و نشیب خود گاهی به اجبار و گاهی به اختیار و اغلب از روی نیاز گرد هم آمده اند و اکنون چنان پیوندهای تاریخی، فرهنگی، اقتصادی و فامیلی پیدا کرده اند که میتوان آنرا نمونه کامل یک ملت واحد دانست.

بعضی از مدافعین و حتی بعضی از مخالفین فدرالیسم در ایران سعی دارند سابقه خاصی برای فدرالیسم ایرانی درست بکنند و از جمله میگویند: در دوره باستان ساتراپ نشینهای هخامنشی دولتهای مستقل بودند و مجموعه آنها از شاه شاهی.

اطاعت میکردند. تقسیمات کشوری نیز قومی بوده جغرافیائی. آنان چنین میگویند در قرون وسطی هم ملوک الطوایفی نوعی از فدرالیسم بوده است و حکومتهای اتابکان و تقسیمات ملک ری، ملک آذربایجان و ملک زابلستان و غیره مستقل بوده اند. در ادامه این استدلالها اضافه میکنند که در قرون جدید هم، از دوره صفویه به بعد، اصطلاح ممالک محروسه ایران نشانگر تشکیل یافتن ایران از کشورهای مستقل مختلف است این اصطلاح تا اوایل سلطنت رضاشاه نیز متداول بوده است و ولایات استقلال کامل داشته اند تا اینکه رضاشاه برای تحکیم قدرت مطلقه خود استقلال ولایات را از بین برد و اعتراضات مردم ولایات را سرکوب نمود و ایران را به دلخواه خود استبدان بندی کرد.

در این جا بدون اینکه بخواهیم صحت یا کذب ادعاهای بالا را بررسی بکنیم یادآوری یک نکته مهم ضروری بنظر میرسد و آن اینکه فدرالیسم در مرحله خاصی از تکامل جوامع بشری بوجود آمده و دو سست سال بیشتر سابقه تاریخی ندارد و میتوان گفت که دولت فدرال از مقوله دولتهای مدرن است که خود محصول تولید انبوه، انقلاب صنعتی، ارتباطات گسترده و تمدن پیشرفته در هر صدهای سیاست، فرهنگ و حقوق می‌باشد بنابراین هر نوع عدم تمرکز یا تقسیمات کشوری در قرون گذشته که معمولاً ناشی از ضعف امکانات ارتباطی بوده و نوعی خودگردانی را الزامی می‌ساخته است فدرالیسم نامیده نمی‌شود. دیگر اینکه فدرالیسم پیش از آنکه به شکل و سازمان کشوری اطلاق شود به مجموعه قوانین و حقوقی گفته می‌شود که مناسبات دولت فدرال را با دولتهای عضو فدرالیسم مشخص میکند، این قوانین و ضوابط توسط شهروندان آگاه پذیرفته می‌شوند بصورتی خاطر است که گفته می‌شود فدرالیسم یک طرز تفکر اجتماعی است، طرز تفکری که در قرن هجدهم بوجود آمده و قبل از آن نمی‌توانست در واقعیت وجود داشته باشد زیرا نه صنعت، نه تجارت و نه ارتباطات آنقدر توسعه نیافته بودند که ضرورت ساختن قدرت فدرال را ایجاد نماید. همه

قوی می‌دانیم که بحث اشکال مختلف حکومتی از قبیل جمهوری فدرالیسم و نظایر آنها برای اولین بار در ایران در دوران نهضت مشروطه مطرح شده اند. اغلب این ایده‌ها توسط سوسیال دموکراتهایی که در اروپا تحصیل کرده بودند به ایران آمدند. اما چون در آن زمان ایران از نظام ملوک الطوایفی و خانجانی رنج می‌برد و همه مردم از جمله روشنفکران صدمه مشروطه، خواهان تمرکز برای ترقی و امنیت بودند لذا شکل حکومتی غیر متمرکز پذیرفته نشده است و همه از لایتنک بودن و تمامیت ارضی ایران جانبداری کرده اند. بعدها نیز ایده‌هایی که متأثر از انقلاب اکتبر بوده و ایران را مانند اتحاد شوروی، کشوری کثیرالمله می‌دانست طرح "جماهیر ایران" را تبلیغ کرده لیکن بعلت ذهنی بودن تاکنون بطور جدی در میان مردم طرفدار پیدا نکرده است.

در ایران مسئله فدرالیسم هرگز مطرح نبوده و در حال حاضر نیز فدرالیسم مسئله ایران نیست و به فرض محال هم اگر عملی بشود نه تنها هیچ مشکلی را حل نمیکند بلکه مسائل پیشماری را بدنیال می‌آورد. فدرالیسم مسئله جوامعی بوده که متشکل از "ناسیون‌ها" بوده اند اما در ایران بین اصطلاحات "قوم"، "ملت" و "ناسیون" تاکنون فرق قائل نمی‌شدند. بدین جهت بر احتیاق اقوام ایرانی را معادل با ناسیونهای اروپائی فرض میکردند و از آن نتیجه میگرفتند که فدرالیسم در ایران نیز همان است که در اروپا و آمریکا وجود دارد. اگر بخواهیم تعریف

دولت‌های فدرال از اتحاد داوطلبانه دولت‌های ملی بوجود آمده اند و قاعده این نیست که فدراسیون از تجزیه یک کشور واحد ساخته شود.

فدرالیسم اگر با انگیزه عدم تمرکز مطرح شود باید در نظر داشت که عدم تمرکز در چه موردی و چگونه؟ در اموری که به اعمال حاکمیت مربوط می‌شود عدم تمرکز معنی ندارد ولی عدم تمرکز در هر صدهای عمرانی، فرهنگی و مسائل خاص هر منطقه ضروری است تا آنجا که می‌توان گفت در دنیای معاصر کشورهای متمدن، ملت‌های خوشبخت و دولتهای موفق هستند که سیاست عدم تمرکز را به نحو احسن اجرا کرده باشند، خودگردانی و سپردن کار مردم به مردم که در فرهنگ ما ارزش والا دارد میتواند توسط یک دولت متمرکز و مردمی کاملاً اجرا گردد. کسانی که عدم تمرکز را برای کاستن از قدرت مطلقه حکومت مرکزی عنوان میکنند اصلا به فلسفه سیاسی و اقتصاد تک پایه ایران توجه ندارند. دیکتاتوری حکومت مرکزی از شکل حکومت ناشی نشده است که با تغییر شکل قدرت از بین برو داین امر ریشه در جای دیگری دارد که مورد بحث این مقاله نیست. برای کشوری مثل ایران که نه منابع طبیعی و نه نیروی انسانی و نه حتی آب آشامیدنی اش متناسب توزیع نشده است، ایجاد عدم تمرکز سیاسی و اقتصادی در واقع محروم کردن اکثریت این ملت از توسعه و رفاه است. خارج از اراده ما و در واقعیت امر ایران امروز به نفت خوزستان متکی است، درآمد سرشار این منبع طبیعی متعلق به همه مردم ایران است که طی سالیان دراز از وجب به وجب خاک آن پاسداری کرده اند این ثروت باید توسط دولت ملی و متمرکز که منتخب تمام مردم ایران باشد، صرف آبادانی، رفاه و ترقی تمام ایران شود. فدرالیسم نمی‌تواند جوابگوی نیازهای جامعه ایران باشد زیرا پیوندهای آن را سست میکند و با حق قانونگذاری که به دولتهای ایالتی میدهد عملاز زمینه تجزیه و عقب ماندگی را فراهم میکند.

در میان روشنفکران ایرانی فدرالیسم بیش از همه با انگیزه حل مسئله ملی مطرح می‌شود چنانکه پیشتر توضیح داده شد این مسئله قادر به حل مشکلات موجود در مناطق یاد شده نیست. بجای فدرالیسم مناسب ترین شیوه برای ایجاد عدم تمرکز و سپردن کار مردم به مردم و حل مسائل ملی احیای انجمنهای ایالتی و ولایتی است که یکی از دستاوردهای بزرگ نهضت مشروطیت بوده است و بخش اعظم محتوای دموکراتیک نهضت مشروطیت در قانون انجمنهای ایالتی و ولایتی تبلور یافته است. متأسفانه این قانون هرگز بطور واقعی مگر در آغاز مشروطیت اجرا نشده است. حاکمان بعد از مشروطیت به بهانه اینکه اگر انجمنهای ایالتی درست شود آلت دست بیگانگان واقع می‌شود از تشکیل این انجمنها (پارلمان ایالتی) جلوگیری کردند، در صورتیکه این قانون حقانیت تاریخی خود را نشان داده بود. انجمن ایالتی آذربایجان که تنها انجمن واقعی اوایل مشروطیت بود در مقابل استبداد ایستاد و محمد علیشاه را سرنگون کرد و نه تنها آذربایجان را تجزیه نکرد بلکه مشروطیت و تمام ایران را نجات داد. انجمنهای ایالتی با هشتاد سال سابقه تاریخی جایگاه خاصی در حافظه جمعی مردم ایران دارد و برخلاف فدرالیسم که لفظی ناآشنا و مخوم بیگانه دارد، انجمنهای ایالتی امری پذیرفته شده می‌باشد که باید به اجرای آن اقدام کرد. خاندان پهلوی‌ها هرگز قانون انجمنهای ایالتی را قبول نکردند و حکومت جمهوری اسلامی نیز ظرفیت پذیرش چنین قوانین مترقیانه‌ای را ندارد بنابراین کسانی که به استناد، آزادی، ترقی و یکپارچگی ایران فکر میکنند باید در صدد احیاء، تکمیل و تشکیل این انجمنها باشند. این امر صدارت به دادن شعار فدرالیسم را جویبیت دارد.

- ۱ - ماهنامه جمهوریخواهان ملی ایران شماره ۳۴ (مقاله پرویز دستمالچی)
- ۲ - مصاحبه دبیر اول حزب دموکرات کردستان ایران
- ۳ - استاد نخستین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

مختصری از این سه اصطلاح ارائه بدیم به این ترتیب است که قوم به جوامع انسانی گفته می‌شود که پیوند خونی در میان آنها برقرار است و این امر در مناسبات آنان نقش تعیین کننده دارد، قوم به طایفه و قبیله خودش تعلق داشته و وابستگی خاصی به سرزمین ندارد. امامت به اقوام ساکن شده اطلاق می‌شود یا بهتر گفته شود از اقوامی متشکل است که ساکن سرزمین خاصی شده اند و از طریق کار، آن سرزمین را آثار کرده اند و وابستگی بسیار قوی نسبت به آب و خاک خود دارند.

در مقابل قوم و ملت که بیشتر در شرق و سرزمینهای باستانی معنی پیدا میکنند مانند اقوام عرب، اقوام ترک و ملت چین و ملت ایران، ناسیون بیشتر در اروپا مطرح بوده و ناسیون عبارت بوده اند از واحدهای اقتصادی و سیاسی مستقل که بطور طبیعی شرایط جغرافیائی و اقلیمی اروپا استقلال و خودکفائی آنها را تضمین میکرده است. فدراسیونهای اروپائی در روند همگرایی این ناسیون‌ها بوجود آمده اند. فدرالیسم را چه در رابطه با اتحادیه‌های کارگری بکار ببریم، چه در رابطه با احزاب و چه در رابطه با دولتهای همواره یک معنی از آن استنباط می‌شود و آن هم عبارت است از اتحاد واحدهای مستقل، کسانی که با انگیزه‌ای فدرالیسم را مطرح میکنند باید در نظر بگیرند که فدرالیسم شکلی از استقلال است که در آن واحدهای مستقل هر صدهای خاص از فعالیت خود را به دولت و قدرت فدرال واگذار کرده اند. مثلا در دولتهای فدرال، سیاست خارجی، ارتش و واحد پول جزو اختیارات دولت فدرال است، بعد از فدرالیسم شکل کنگر فدرالیسم متداول می‌باشد که در آن ارتش و واحد پول نیز مشترک نیست و بعد از آنها استقلال کامل است، بزبان دیگر، فدرالیسم هر مرحله اول استقلال کامل است، بهمین جهت است که بعضی از طرفداران فدرالیسم می‌گویند اگر فدرالیسم پذیرفته نشود، ما کنگر فدرالیسم طلب خواهیم کرد و اگر آن نیز عملی نشد بسوی استقلال کامل حرکت خواهیم کرد. متأسفانه بحث فدرالیسم تاکنون بطور همه جانبه در میان نیروهای سیاسی ایرانی مطرح نشده است تا جنبه‌های مختلف آن شناخته شود و فقط نشی سالهای اخیر و بویژه بعد از آشکار شدن بحران سیستم سوسیالیسم، ایده سازماندهی قدرت بصورت فدرال در میان طیف چپ و دموکراتها رواج پیدا کرده است. آنان با مشاهده درگیریهای ملی خسوفت آمیز در شوروی و در کشورهای شرق اروپا، فدرالیسم را برای حل مسائل ملی در ایران مطرح میکنند. ضمناً طرح این شعار تا امروز صرفاً جنبه سیاسی داشته و متکی و یا برآمده از نیازهای تاریخی و حقوقی نمی‌باشد و گاهی نیز فدرالیسم با خودمختاری ولایات که درک ساده‌ای از چگونگی آن در ایران رواج دارد برابر فرض می‌شود.

فدرالیسم برای بخشی از اپوزیسیون ایرانی بویژه برای جناح راست آن دقیقاً معادل است با تجربه ایران و تبدیل ایران به ایرانستان به هیچ وجه شعار فدرالیسم را نمی‌پذیرند و حتی طرح شعار "حکومت سلطنتی فدرالیسم" که بعضی از سلطنت طلبان مطرح می‌کنند، با مخالفت جدی سایر سلطنت طلبان مواجه می‌شود.

واژه فدرالیسم برای بخشی از نیروهای دموکرات ملی نیز به معنی تجزیه ایران و متلاشی شدن کشور می‌باشد. این عکس العملها بدین جهت طبیعی و واقعی هستند که می‌بینیم بعضی از نیروهای چپ و بسیاری از شخصیت‌های کرد و ترک به فدرالیسم محتوای تجزیه شدن از خاک اصلی را می‌دهد و صراحتاً می‌گویند اول جدا بشویم (هر ملیتی با پاره‌های دیگر آن ملیت در کشورهای همسایه دولت و کشور مستقل خود را تشکیل بدهد) بعداً بشکل فدراسیون متحد بشویم. اگر شعار فدرالیسم با این انگیزه عنوان شود که متأسفانه باید گفت اغلب همینطور است، به لحاظ تئوریک درست است آن چیزی مطرح شده است که بنیانگزاران فدرالیسم مد نظر داشته اند. تاریخ گواه آن است که

مدت طولانی تر دوره آموزش است و یا اختصاص نادرست آن حرفه آموزشی که با استعداد و توانائی فرد معلول همخوانی ندارد (بعلت محدود بودن امکانات آموزشی در این مراکز) باعث هرز رفتن انرژی و اتلاف وقت و بسیاری موارد انصراف معلولین از ادامه آموزش میشود.

و رقم زیادی را نشان میدهد. بسیاری از معلولین نان آور خانواده هستند. لذا اجباراً از پذیرش دوره‌های آموزش محروم میمانند. زیرا در طول گذراندن دوره که زمان کمی هم نیست خانواده عملاً از تامین معاش برخوردار نخواهد بود. نتیجه اینکه آنها مجبور میشوند همچنان به شغل‌های کاذب برای امرار معاش خانواده ادامه دهند و هم‌را با این سیاق به پایان برسانند.

بی توجهی به مشکلات دیگران قیلیل شدت ناتوانی و آسیبهای وارده و کار سخت روی معلولین عقب مانده ذهنی که مستلزم

بینه از صمحه ۴

معلولین ●●●
آمد برای معلول از محل زندگی به محل آموزش، وجود موانع معماری برای حضور در کلاس درس و آموزش و غیره به همان میزان فرصت و شانس کمتری را برای جذب رشته‌های تخصصی و مالا توانبخشی حرفه‌ای بوجود می‌آورد. ناشنوایان و نابینایان برای گذراندن دوره‌های سواد آموزی نمیتوانند در کلاس‌های هادی حضور یابند، از کمبود وسایل آموزشی در مراکز معدود ویژه آموزش خود شکایت دارند.)

بادوستان مروت با دشمنان مدارا

تیر بانعلی محمدالحجیم پور

مدتی است، بسیاری از شخصیت های سیاسی، فرهنگی و هنری کشور ما از آغاز تحولات فکری و فرهنگی در جامعه سخن میگویند. این واقعیت دارد که "مرزها"، "خطها" و هویت های مذهبی وایدئولوژیکی که برای خود ساخته ایم، در حال فروریزی و خط و مرز و هویت های نوینی در حال شکل گیری و فرارویی است. فرهنگ و قواعد ناظر بر مناسبات درونی احزاب و سازمان ها و میان احزاب و سازمان ها با همدیگر نیز در معرض دگرگونی است. هر روز که می گذرد، فاش تر و روشن تر میشود که حفظ همان "مرزها"، "خطها"، هویت ها و مناسبات سنتی، خود از بزرگترین موانع در برابر نیاز دموکراتیک شدن و معاصر شدن فرهنگ و اندیشه و روش سیاسی و روش سیاسی جامعه ما است. هر روز نیاز به تنظیم مناسبات نوینی مبتنی بر دموکراسی، آزادی، پلورالیسم میان احزاب و سازمان ها، فزون تر و آشکار تر میشود و هر روز بر تعداد کادری های سیاسی، فرهنگی و هنری کشور ما، کادرهایی که ریشه استعداد و عقب ماندگی را در اضلاع و زوایای چندگانه و در نه توی تاریخ و فرهنگ و اندیشه و روش سیاسی باستانی، ترون و وسطایی جامعه مان جستجو می کنند، افزوده میشود. بنظر میرسد، موج "مئلک" سازی و "مربع" سازی که توسط آقای حاج سید جوادی و آقای شغاپدیدار شده، نه یک موج تصادفی بلکه انعکاسی از همان روند فروریزی است. معمولاً در آغاز دوران جدید در زندگی سیاسی هر ملتی، صف آرای سنی نگر، فرهنگی و سیاسی، در هم و برهم میشوند، "مئلک" و "مربع" میشوند و فرو میریزند و بالاخره صف آرای های نوینی شکل می گیرند. جامعه ما نیز بعد از گذر از دو انقلاب مشروطیت و اسلامی و آزمايش دو نهاد و نظام سلطنتی و آخوندی متکی بر دین و جمالت و استبداد، در چنین دورانی بسر میرد.

بقیه از صفحه آخر

گزارشی از کنگره حزب دموکراتیک چپ ایتالیا

موضع گیری جناحی وجود نداشت. بطور مثال اکثرانیو "باز پی ریزی کمونیستی" از هتاصری از پلاتفرم دوم نیز مورد تأیید قرار گرفته است. این مهم، در روزهای پس از کنگره، واضح تر شد. کوشش این است که حتی المقدور، تمایزات مواضع درک و بازنتاب یابد، (شماره بندی پلاتفرم ها بر حسب تعداد آراء نمایندگان در تأیید آنها صورت می گیرد). پلاتفرم اول از سوی دبیر اول اکتو که بخش وسیعی از بهبودگرایان نیز را در بر می گرفت. پلاتفرم دوم، که اقلیت به رهبری اینگراو و تورتورا را شامل می شد. پلاتفرم سوم از سوی رفیق باسولینو، نمایندگی حدود ۵ درصد اعضا را در بر می گرفت. پلاتفرم چهارم که از سوی کوسوتا گراوینی رایج شده بود. در جلسه اقلیت که در روز ۴شنبه سی ام ژانویه برگزار گردید، آبخوس، گزارش نشست مشترک با اکثریت حول اساسنامه نوین حزبی را مطرح کرد و خاطر نشان ساخت که توافق بر سر بازشناسی محافل متفاوت درون حزبی و چگونگی رابطه میان سازمانهای درون و بیرون حزبی صورت گرفته است. وی اعلام داشت: "نمی توانم بگویم پایان این راه کدام است ولی می دانم که انشعاب برای همه مان تضعیف کننده است. بایستی کل کوششمان را بکار اندازیم تا خونسردانه با سیاست روز برخورد کنیم؛ همکاری کنیم تا بیانه ها و قطع نامه هایی را تصویب بنمائیم که توافق های

سیاسی مان را تضمین نماید." کنگره بیستم حزب کمونیست ایتالیا، اولین کنگره حزب دموکراتیک چپ در فضایی آکنده از تشویش آغاز یگار نمود. دبیر اول اکتو، گزارش ۳ ساعته خویش را در بخش های زیر فرموله کرده بود. خطای جنگ، آینده ایتالیا، سیاست جدیدی که حزب دموکراتیک چپ (ج. د. چ) پیشنهاد می کند. ۱- جنگ خلیج خطایی سیاسی است. جلوگیری از کشتار! دو فرهنگ دولتمداری در مقابل یکدیگر. ۲- چپ و نیاز بازنگری همیق در تحلیل واقعات جهان، شکست سوسیالیسم و اقامت موجود، ایالات متحده امریکا، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و نقش اروپا در ساختار روابط جدید میان شمال و جنوب و در دولت دموکراتیک جهانی. ۳- از سوی ج. د. چ سه هرصه اصلاح گرایانه بایستی ارائه شود. - طرح موسسان برای سیاسی سازی دولت و دستگاه و نظم ۴- اکثرانیو برای این کشور ضروری است، چرا که باید پیش داوری های سنتی و جدید را پشت سرگذارند. - ج. د. چ و رابطه با نیروهای چپ و سوسیالیست ها - درک نوین ما از رابطه با کاتولیک ها. - درک جدید از حزب: حزب اصلاح گرا، دموکراتیک، لائیک، متحد. که در آن مکانیزم پلورالیزم به رابطه میان حزب و جامعه یاری می رساند. - دیگر ناطقین کنگره نیز مباحث دبیر اول را طرح و نکات مشخص مندرج در گزارش اکتو را

کیهان هوایی شوخی میکند!

این جریده شریفه "کیهان هوایی" هم از مقالات تماشائی جمهوری اسلامی است. پیشتر هدف اشاعه اسلام ناب محمدی رابه شیوه حزب اللهی دنبال میکرد و بعد که دید این متاع را در خارجه باین روش نمی توان عرضه کرد، تغییر رویه داد و لباس دموکرات منشئی اسلامی و منورالفکری به تن کرد. اگر تغییر رویه کیهان هوائی شامل سایر جرائد وابسته به حکومت هم می شد، می توانستیم آن را به فال نیک بگیریم و به این حساب بگذاریم که بالاخره مغز منجمد فقها هم تحت تاثیر زیروز بر شدن دنیا تکان خورده. اما پیر واضح است که بقیه جرائد رژیم همچنان در خط سابقند و فاصله کیهان هوائی با برادران بزرگترش که حلاله، فاصله "هجا" با ترانسپورت شمس الهماره شده، نه ناشی از تغییر رویه حکومت که "تا کتیکتی برای سر پامانیدن در محیط باز مغرب زمین" است. با همه اینها به مصداق "لنگه کش کهنه و بیابان"، در مملکتی که دادستانش لاجوردی، قاضی اش گیلانی، ایدئولوگش آذری قمی و شخصیت بر جسته اش خلیجی است، همین اندازه عقل و شعور هم فنیمتی است و از بابت آن باید شکر گزار درگاه احدیت بود و البته به شرطها و شروطها. نگوئید باز که شرط و شرط گذاشتید، ایندفعه شرایط سنگینی پیشنهاد نمی کنیم. به کیهان هوائی نمی گوئیم وقتی خمینی دستور داد سه نفر بروند به زندانها، سه سوال از محکومین بکنند و ظرف سه ماه، حدود سه هزار زندانی محکوم را به دار بزنند تو جز تکذیب و دروغ پراکنی چه کردی؟ نمی پرسیم زمانی که گالیندوپل بیضا، بعد از گذر از هفت خوان رستم، گوشه ای از عملیات ارشادی سربازان گمنام حضرت مهدی هج را برای خلیج گزارش کرد، جز نحاشی به او و بستن هزار اتهام ناروا به حقوق بشری ها چه تاجی بر سر ملت زدی؟ سوال نمی کنیم که چرا وقتی منتظری مقضوب بارگاه و آقع نشده بود او را به هرج اهلا بردی و وقتی پیر مرد زبان باز کرد که "آقا! اینقدر آدم نکش، هاقبت ندارد" و با این حرکت "نا بجای" زبان سرخ، کم مانده بود که سر را بر باد بدهد، هم رنگ جماعت شدی و با کوشش برای لجن مال کردنش، فی الواقع لجن به سر روی زهمای حکومت مالیدی؟ هیچکدام از اینها را نمی گوئیم و نمی پرسیم و همه را در کنار صدها و هزاران پرسش دیگر قورت می دهیم. اما یک توقع از تو داریم! برادر جان! بالاخرتو "نگو بنده روز نامه نگارم نه مستشار" این شوخی را نکن چون مالیاتش زیاد است. و ممکن است تو که زنگی "بازاریان محترم" اراناری، نتوانی از پس تادیه اش بر بیایی. لابد می پرسی که من کی چنین ادعائی کردم؟ تحمل داشته باش، ما واقعیت که درونم کم حافظه است و این است که از بابت این سوال به تو خرده نمی گیریم و کمک می کنیم که قضیه را به خاطر بیاوری. یادت می آید که آدینه بی نوا میز گردی داشت و چند نفری از اهل قلم جمع شدند و اندر باب ضرورت دفاع از حقوق نویسنده حرف هائی زدند؟ به خاطر داری که تو به آنها به هزار بهانه که بیکیش هم جدی و قابل پسند عقل سلیم نبود. تو پیدی؟ به یاد می آوری که آدم دل سوخته ای نامهای اندر مذمت این کارت روانه کرد و تو که دیدی می توانی کمبودهای نامه را دستمایه تاخت و تاز کنی، چاپش زدی و بعد هم جوایبه بالا بلندی ضمیمه اش کردی؟ اگر تا اینجا رابه

احمد زمان پور

مورد بحث قرار دادند. کلیه سخنرانان از بحران خلیج فارس آواز کرده، به نظم نوین بین المللی پرداختند و آنگاه اکثرانیو دولت در ایتالیا مطرح کردند. گزارش دبیر اول، واکنش های متفاوتی در جناح های حزبی برانگیخت: آبخوس: "در هرصه بین المللی، گزارش اکتو، همان بحثی را پیش می برد که ما هم خواهان آئیم. امیدوارم که کنگره رای "نه" قاطع به جنگ بدهد و خروج نیروهای مسلح ایتالیا از منطقه را درخواست نماید. گرچه در مورد اوضاع ایتالیا با موضع انتقادی به گزارش برخورد می کنم. در مورد پلورالیزم درون حزبی نکات قابل توجهی ملاحظه کردم. انتظار اصلی مان این است که در نرم های اساسنامه ای مراعات گردند." آزروروزا - سردبیر ارگان تئوریک حزب - (پلاتفرم ۳): "گزارش دبیر اول، گزارش بسیار وسیعی بود، که مباحثات واقعی را دامن خواهد زد. چه امروز، چه در آینده، آنگاه که نیروی سیاسی نوینی به جامعه عرضه می شود، همواره قابل توجه می باشد. گزارش اکتو در هرصه نیروی کار توجه جدی ای می بدول داشته است که مهم است." ناپوله تانو از بهبودگرایان: "نظر ما این است که تم اصلی گزارش در مورد جنگ خلیج و آینده جهان بایستی به صورت واضح ارائه شوند. از سوی اکتو، مواضع آنچنان جدیدی طرح نشده است... در دیگر موارد مطرحه، نکات جدیدی وجود دارند که می تواند منشاء بازسازی همیق باشند."

پس از انتخاب شورای ملی، انتخابات دبیر اول به نتیجه ای نرسید و اکتو، تنها کاندیدای دبیر اولی موفق نگردید تعداد آرای لازم را از آن خود سازد، این امر که فیر قابل پیش بینی بود یک شوک جدی در محافل حزبی بوجود آورد. می توان گفت هیچکس این واقعه را حدس نمی زد. پس از آن حدسیات روزنامه نگاران و خود رفقای حزبی که کدام جناح وبه چه دلیل به اکتو رای نداده است صفحات روزنامه ها را پر کرد. شورای ملی ج. د. چ، نخستین اجلاس عمومی خود را در روز جمعه در رم برگزار نمود. در این نشست، باتوجه به میانجیگری های دالیه ها، شخص شماره دو حزب، همواره از پلاتفرم دبیر اول، اکتو موفق به کسب حدنصاب لازم گردید و به عنوان دبیر اول انتخاب شد. پلاتفرم شماره دو (اینگرا - تورتورا) از رای دادن به اکتو

گزارش خبری محمود ایتالیا دو شنبه ۱۱ فوریه

سیردهمین کنگره حزب کمونیست یونان

هفته گذشته سیزدهمین کنگره حزب کمونیست یونان آغاز به کار کرد. قرار بود این کنگره در پاییز ۱۹۹۰ تشکیل شود اما اختلافات داخلی حزب باعث شد که کنگره چند بار به تعویق بیفتد. طی سه سال اخیر در داخل حزب کمونیست یونان جناحی شکل گرفته است که خواهان نوسازی ایدئولوژیک حزب است. این جناح معتقد است اگر حزب درهای خود را بر روی اندیشه‌های جدید نگشاید، تبدیل به یک فرقه سیاسی بی‌اهمیت خواهد شد، و در استدلال خود به روند کاهش آرای حزب در انتخابات سال‌های اخیر اشاره می‌کند. برخورد کمیته مرکزی به جناح مخالف در آغاز اخراج نمایندگان این جناح از حزب بود. اما با افزایش نیروی جناح اصلاح طلب، این سیاست تغییر کرد. اکنون اصلاح طلبان توانسته‌اند کمیته مرکزی را وادار کنند برای نخستین بار در تاریخ ۷۳ ساله حزب، کنگره آن هلنی برگزار شود. از جلسات کنگره گزارش‌های

بیانیه مشترک کنگره ملی آفریقا و جنبش اینکاتا

کنگره ملی آفریقا (ای. ان. سی) و جنبش اینکاتا به رهبری بوتلزی رئیس قبیله زولو در آفریقای جنوبی طی بیانیه مشترکی، طرفداران خود را فرا خواندند که به درگیری‌های میان خود پایان دهند. طرفداران ای. ان. سی، و اینکاتا ماه‌هاست که به درگیری‌های خونین خود در آفریقای جنوبی ادامه می‌دهند. در بیانیه مشترک هفته گذشته آمده است: "ما به طرفداران خود اطلاع می‌دهیم که باید همه درگیری‌ها میان آنها پایان یابد." بیانیه مزبور که بدنبال مذاکرات نمایندگان دو طرف در شهر دوربان آفریقای جنوبی انتشار یافت، می‌افزاید ای. ان. سی، و اینکاتا با یکدیگر صلح کرده‌اند، و سوخت تفاهم‌های احتمالی باید از طریق گفتگوهای طرفین طرف شود. در ۲۹ ژانویه امسال، برای نخستین بار پس از ۲۸ سال نسون ماندلا و مانگوسوتو بوتلزی رهبران دو جریان رقیب با یکدیگر ملاقات کرده با امضای معاهده‌ای از طرفداران خود خواستند به درگیری‌ها پایان دهند. درگیری‌های ای. ان. سی، و اینکاتا ظرف پنج سال چهار هزار

یلتسین: کار با چف باید کنار گرفته شود

باریس یلتسین رئیس پارلمان جمهوری روسیه شوروی طی بیانیه‌ای که در تلویزیون مسکو قرائت کرد، خواهان استعفای میخائیل گارباچف رئیس جمهور شوروی شد. یلتسین گفت گارباچف با تمرکز قدرت در دست خود تحت لوای اختیارات رئیس جمهور، یک دیکتاتوری ایجاد کرده است. بدنبال اظهارات یلتسین، شورای عالی (پارلمان) شوروی در یک قطعنامه اظهارات وی را محکوم کرد. برخی نمایندگان شورای عالی با لحن بسیار تند یلتسین را مورد حمله قرار دادند. یک نماینده، رئیس پارلمان روسیه را فریب کاری خواند که با اظهارات خود، دعوت به جنگ داخلی کرده است. پارلمان شوروی روز سه‌شنبه ۱۹ فوریه با طرح دولت برای انجام اصلاحات در نظام قیمت گذاری موافقت کرد. این طرح با ۲۸۷ رای موافق در برابر ۲۸ رای مخالف به تصویب رسید. به موجب طرح دولت والنتین پاولف نخست وزیر شوروی، که روز دوشنبه ۱۸ فوریه به پارلمان ارائه شد، بر بعی مواد غذایی، کالاهای مصرفی و خدمات، بطور هدف از رفرم نه افزایش درآمد دولت، بلکه "احیای ارزش واقعی کالاها" است. پاولف افزود: "راه چاره نه توزیع کوپن، بلکه افزایش تولید کالاست." پارلمان شوروی در اجلاس جاری خود درباره قانون انجام همه پرسی ۱۷ مارس پیرامون بقا یا عدم بقای اتحاد شوروی تصمیم خواهد گرفت.

ناآرامی در آلبانی

صدها تن از دانشجویان و استادان دانشگاه تیرانا پایتخت آلبانی هفته گذشته برای دستیابی به خواست خود مبنی بر تغییر نام این دانشگاه که به اسم انور خوجه رهبر سابق آلبانی نام گذاری شده است، دست به اعتصاب غذا و تظاهرات زدند. در جریان تظاهرات مزبور یک مجسمه انور خوجه به زیر کشیده شد، پلیس آلبانی با تظاهر کنندگان درگیر شد. دانشگاه تیرانا از روز غوریه در اعتصاب است. در روز ۱۶ فوریه، مدیریت دانشگاه خواست دانشجویان مبنی بر انجام همه پرسی درباره تغییر نام دانشگاه پیش از برگزاری انتخابات پارلمانی ۳۱ مارس را رد کرد. دولت آلبانی با تغییر نام دانشگاه از این رو مخالفت کرده است که "نام و میراث انور خوجه نه تنها به حزب کار آلبانی، بلکه به کل ملت تعلق دارد."

جنگ علیه محیط زیست

پس از آلودگی آبهای خلیج فارس چه فاجعه دیگری محیط زیست و مردم منطقه را تهدید میکند؟ روز جمعه ۵ بهمن (۲۵ ژانویه) یکی از پیش‌بینی‌ها درباره پیامدهای فاجعه بار جنگ برای محیط زیست منطقه به واقعیت پیوست و با سرآزیر شدن میلیون‌ها تن نفت به خلیج فارس یک سفره نفتی گسترده بر سطح آن پدیدار گشت. میزان نفت به‌ارزیر شده تاکنون ۱۱ میلیون بشکه (بشکه=۱۵۹ لیتر) برآورد شده که سفره‌ای به طول ۱۳۶ و عرض ۱۵ کیلومتر پدید آورده است. این میزان از آلودگی آبهای بین‌المللی تاکنون در تاریخ معاصرمانندی نداشته و بهیچوجه با آلودگی آبهای خلیج در سالهای جنگ ایران و عراق ویا آلودگی سواحل آلاسکا در سال ۱۹۸۹ سنجش پذیر نیست. بسیاری از کارشناسان مجارزه با آلودگی‌های دریایی برآند که پاکسازی آبهای خلیج از نفت، در شرایط صلح‌آمیز هم چندان چشم‌اندازی نخواهد داشت، چه رسد به اکنون که جنگ با شدت تمام در جریان است. این آلودگی نه تنها گیاهان و جانوران دریایی را نابود خواهد کرد، بلکه بنیادهای اصلی حیات را در کل خلیج به خطر خواهد افکند. به باور سخنگوی سازمان صلح سبز (Green Peace) و بنیاد

گزارشی از کنگره حزب دمکراتیک چپ ایتالیا

در آخرین روز ماه ژانویه ۱۹۹۱ کنگره‌ای که با حضور ۱۵۴۷ نماینده درون و برون حزبی، حزب کمونیست ایتالیا را به حزب دمکراتیک چپ تغییر می‌داد، آغاز بکار کرد. در طی ماه‌های اخیر و در اجلاس‌های پیش‌کنگره سازمان‌های پایه بر روی نام، آرم و پلاتفرم‌های اکثریت و اقلیت حزبی، نتایج رای‌گیری‌ها به قرار زیر بوده‌اند: ۷۱/۴ درصد آرا "حزب دمکراتیک چپ" و ۲۸/۶ درصد آرا "نفع" "حزب کمونیست ایتالیا" اختصاص داشته‌اند. نظر اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان حاضر در کنگره این بود: "اکثریت و بخش قابل توجهی از اقلیت خواهان

پارلمان سلوونی تصمیم به جدایی از یوگسلاوی گرفت

روز چهارشنبه ۲۰ فوریه پارلمان جمهوری سلوونی یوگسلاوی قطعنامه‌ای را تصویب کرد که در آن آمده است: "یوگسلاوی به دو یا چند جمهوری تجزیه می‌شود." قطعنامه مزبور توسط همه احزاب سلوونی تهیه شد و مقرر می‌دارد که از این پس دولت فدرال یوگسلاوی حق تصمیم‌گیری در مورد امور جمهوری سلوونی را ندارد. در قطعنامه پارلمان سلوونی آمده است: "جمهوری سلوونی به مثابه یکی از وارثین حقوقی جمهوری فدراتیو سوسیالیستی یوگسلاوی همه روابط با خارج را برقرار می‌کند." این قطعنامه خواهان مذاکرات فوری با پنج جمهوری دیگر یوگسلاوی درباره تجزیه این کشور شده است. در لیوبلیانا پایتخت سلوونی اعلام شد به رسمیت شناختن سلوونی به استقلال سلوونی توسط کشورهای خارجی تنها پس از توافق میان جمهوری‌های یوگسلاوی مبنی بر

برای اشتراک نشریات «کار» و «اکثریت» در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراک، تم‌ریستی و یادسید بانکی پرداخت بهای اشتراک به آدرس نشریه ارسال نمایید:

بهای اشتراک	شش ماهه	اروپا	دیگر نقاط
نشریه «کار»	یک ساله	۱۱ مارک	۱۳ مارک
		۲۱	۲۲
بهای اشتراک	سه ماهه	اروپا	دیگر نقاط
نشریه «اکثریت»	شش ماهه	۳۲ مارک	۳۹ مارک
	یک ساله	۶۲	۷۶
		۱۲۰	۱۵۰

درس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

اکثریت
نشریه سازمان فدائیان خلق
ایران (اکثریت) در خارج از کشور

AKSARIYAT
NO. 338
MONDAY 25.FEB.1991

آدرس: Ruzbeh
Postfach 1010
3100AACHEN
GERMANY

حساب بانکی: M.ABD
NR. 35263011
37050198
Stadtsparkasse Köln
GERMANY

